



# نشر همبستگی کارگری



معرفی فعالیت های «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه (۲)

آبان ماه ۱۳۹۲

## معرفی «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» (۲)

صفحه	عنوان
۱	درباره انجمن همبستگی بین المللی کارگران .....
۴	پیام همبستگی «انجمن همبستگی بین المللی کارگران»: «شاهرخ زمانی را آزاد کنید!» .....
۴	نمایش «شبح سرمایه داری نخواهد آمد»، در سوئیس به روی صحنه رفت .....
۵	علیه جنگ افروزی ها نمی ایستید؟ .....
۷	جوانان دیگری هم هستند که سخن بگویند.....
۸	چه کسی از حقوق کارگران دفاع خواهد کرد؟ .....
۱۱	پیام همبستگی با «بهنام ابراهیم زاده» .....
۱۱	به احزاب رژیم اعتماد نکنید! پیش به سوی اتحاد کارگران! .....
۱۴	پیام «شبکه همبستگی کارگران ایران» به «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه .....
۱۴	پیام «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه به «شبکه همبستگی کارگران ایران» .....
۱۵	گزارشی از برگزاری مراسم اول ماه مه ۲۰۱۳ شهر استانبول ترکیه .....
۱۹	پیام «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه به کارگران اعتصابی سیتروئن در اولنه (فرانسه).....
۱۹	گزارشی از برگزاری سمینار «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه با کارگران بندر مرسین .....
۲۰	پیام همبستگی و تسلیت «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» به کارگران بنگلادش .....
۲۲	کارگران «شیشه جام» راه را نشان می دهند: نبرد کنید و پیروز شوید! .....
۲۴	بر ترس غلبه کنید، از قطب‌بندی های ساختگی دوری کنید! .....
۲۶	چه کسی از بودجه ۲۰۱۳ منتفع می شود؟ و چه چیزی عاید کارگران می گردد؟ .....
۲۸	مذاکرات و چانه زنی دسته جمعی در صنعت فلزات .....



## انجمن همبستگی بین المللی کارگران

در باره ما

سازمان ما با عنوان "انجمن همبستگی بین المللی کارگران" (به اختصار UİD-DER) در ماه ژوئن ۲۰۰۶ از سوی گروه های خودآموزی کارگران (WSEG) که در شاخه های مختلف صنایع نظیر فلز، نساجی و پتروشیمی فعال بوده اند، بنیاد نهاده شده است. کارگران پیشروی انقلابی که "گروه های خودآموزی کارگران" را تشکیل می دهند، سابقاً به مدت چندین سال در بین اعضای عادی و رده پایین اتحادیه ها، در کارخانجات و هم چنین در اعتصابات فعال بوده اند. انجمن همبستگی بین المللی کارگران، خود محصول این فعالیت مستمر، پیگیر و منضبط در میان طبقه کارگر است. به علاوه، ما هم چنان به انجام فعالیت های خود به منظور تقویت این بنیان در سطحی بین المللی نیز مشغول هستیم.

با نگاه به گذشته، ما به وضوح می بینیم که UİD-DER توانسته است تا با اراده و از طریق فعالیت برنامه ریزی شده، منضبط و صبورانه در بین طبقه کارگر به اهداف خود نزدیک شود. از طریق یک چنین فعالیتی، ما تاکنون توانسته ایم تا ۶ دفتر محلی در نواحی کارگری استانبول، گیزه و آنکارا دایر کنیم. در آوریل سال ۲۰۰۸، ما انتشار بولتن ماهانه خود با عنوان "همبستگی کارگری" (İşçi Dayanışması) را آغاز کردیم که تنها طی دوره کوتاهی به تریبون هزاران نفر از کارگران تبدیل شد. ما تردیدی نداریم که با ادامه فعالیت برای حفظ و پیشبرد اهداف و منافع طبقه کارگر و بالا بردن سطح مبارزه سازمان یافته این طبقه، در آینده به مخاطبین کارگر به مراتب بیشتری دست خواهیم یافت.

انجمن همبستگی بین المللی کارگران: پیشروی به موازات رشد مبارزه!

کُر، شعر، مطبوعات کارگری و مسابقات فوتبال فعالیت می کنند. تمامی جنبه های چنین فعالیت هایی- جزئیات فنی کار، آماده سازی متن سخنرانی ها و غیره- تنها به وسیله خود کارگران شرکت کننده در چنین برنامه هایی تنظیم و اجرا می گردد. البته به خاطر کار طاقت فرسای آن ها در کارخانجات، ما برخی از تدارکات لازم و ضروری را خود انجام می دهیم. بسیاری از برادران و خواهران هم طبقه ای ما که از کارخانه های مختلف برای پیوستن به چنین برنامه هایی حضور می یابند، با کسب اعتماد به نفس از طریق آشنایی با فرهنگ مبارزه طبقاتی، به صفوف مبارزه طبقاتی می پیوندند.

غیر از فعالیت های مذکور، گروه تئاتر کارگری-UID-DER نیز به اجرای نمایش هایی عموماً در خصوص اول ماه مه و پانزدهم و شانزدهم ژوئن می پردازند و از این طریق نسل های جوان را با تجارب تاریخی آشنا می سازند. هم چنین گروه موسیقی انجمن

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)، یک بار در ماه به برگزاری کارگروه یا سمینارهایی می پردازد تا از این طریق، تاریخچه ملی و جهانی مبارزات طبقه کارگر به تمامی کارگران منتقل شود. در این سمینارها، موضوعات گوناگونی- از تاریخ انقلابات و مبارزات طبقه کارگر گرفته تا پیشرفت عینی، سیاسی و اقتصادی- مطرح می شود و مورد بحث قرار می گیرد؛ موضوعاتی نظیر انقلاب اکتبر، کمون پاریس، تاریخ انقلابات، زایش مبارزات بین المللی طبقه کارگر، جنگ های امپریالیستی و تهدید فاشیسم، بحران های سرمایه داری، زندگی و مبارزات رهبران انقلابی ما، اول ماه مه (روز جهانی کارگر) و هشت مارس (روز جهانی زن) همگی از سوی گروه های خودآموزی کارگران (WSEG) مطالعه می شوند. این سمینارها با شور و هیجان و از طریق نمایش اسلاید، اجرای شعر و موسیقی و غیره برگزار می گردند. هرچند محل برگزاری این کارگروه ها اساساً دفاتر محلی انجمن ما می باشد، با این وجود ما



## Association of International Workers Solidarity

### Long live the international unity of workers' struggle!

همبستگی بین المللی کارگران با عنوان "ستاره های آزادی" (Yıldızlara Özgürlük) نیز با خواندن ترانه های مبارزه، به اجراهایی در محل های اعتصاب و فستیوال های کارگری می پردازد.

UID-DER، با تمامی توان خود تلاش دارد تا مبارزه سندیکایی را از چنگال بوروکراسی خارج سازد و موجب شود تا اتحادیه گرایی طبقاتی و رادیکال، دست بالا را در اتحادیه ها پیدا کند. از جمله فعالیت های دیگر ما، بازدیدهایی به منظور همبستگی با برادران و خواهران طبقاتی مان در صنایع مختلف و کمک به پیشبرد مبارزه آنان می باشد. ما، در نهایت صبر و انضباط، به سختی تلاش می کنیم تا مبارزه را به سمت و سوی سازماندهی کمیته های کارخانه ای که ما در کارخانجات تشکیل می دهیم ارتقا دهیم. یکی از اهداف

برخی از آن ها را در دفاتر محلی اتحادیه های مختلف و با حضور و مشارکت آنان برگزار می کنیم. به مدد چنین سبک کاری، بسیاری از کارگران جوان با تجارب مبارزات طبقه کارگر در سطح ملی و بین المللی آشنا می شوند و به تبع آن، روح اعتماد به نفس را به طبقه خود بازمی گردانند.

انجمن همبستگی بین المللی کارگران، به منظور کمک به پیشبرد فرهنگ همبستگی و مبارزه طبقه کارگر، از زمان تأسیس خود تاکنون به سازماندهی فعالیت های مختلف فرهنگی پرداخته است. به عنوان مثال، برگزاری دروس آموزش سازهای موسیقی مانند گیتار و باغلاما، رقص های محلی، نقاشی و غیره که تمامی آن ها در دفاتر محلی ما انجام می شود. هم چنین ما شاخه هایی داریم که در زمینه تئاتر، فیلم، تعلیم گروه

مهم دیگر ما، تقویت مبارزه طبقه کارگر با فعالیت ها و آکسیون های همبستگی بین المللی می باشد.

### زنده باد اتحاد بین المللی مبارزه طبقه کارگر

به عنوان کارگران فعال در UID-DER، ما به ضرورت سازماندهی مبارزه نه فقط در سطح ملی، که هم چنین در سطح بین المللی اعتقاد داریم. ما در مقابل تمامی اشکال تبعیض- اعم از ملی، مذهبی، نژادی، جنسیتی و غیره- که طبقات استثمارکننده به منظور ایجاد تفرقه و انشقاق در بین کارگران به آن دامن می زنند، می ایستیم. به اعتقاد ما، طبقه کارگر یک طبقه جهانی است و به همین جهت الزاماً باید وحدت و مبارزه خود را در سطحی جهانی بنا کند.

ما با اولویت دادن به منافع انترناسیونالیستی طبقه کارگر، به فعالیت بسیاری در مقابل جنگ های امپریالیستی، به مثابه جنگ هایی که جهان را به حمام خون بدل می کنند، می پردازیم.

ما، هم در جلسات عمومی و هم در فعالیت های آموزشی خود، قاطعانه اعلام داشته ایم که تنها مبارزه بین المللی طبقه کارگر است که می تواند مانع جنگ های امپریالیستی شود و این که تنها قدرت طبقه کارگر قادر به ایجاد صلح بر روی کره زمین است. ما به عنوان کارگران مدافع حق تعیین سرنوشت ملل، مبارزه کردها برای مطالبات دموکراتیک، سیاسی و ملی را به رسمیت شناخته و از آن حمایت می نماییم. ما برای ریشه دواندن ایده های انترناسیونالیستی در درون جنبش کارگری و در مقابل افکار ناسیونالیستی و شوونیستی ای که مردم را علیه یک دیگر قرار می دهند، مبارزه می کنیم.

بحران سرمایه داری، باری دیگر نشان داد که سرنوشت کارگران سراسر جهان برای نظام حاکم کوچک ترین ارزشی ندارد. با آغاز بحران، UID-DER به تسریع فعالیت خود در درون کارخانه ها و اتحادیه پرداخت. شعار ما این بوده است که "بگذار رئیس و رؤسا هزینه ها را بپردازند". ما از تمامی

کارگرانی که به نوعی با سازمان ما ارتباط و نزدیکی دارند، خواسته ایم و می خواهیم که در مقابل بحران به مبارزه و مطرح کردن مطالبات فوری ما بپردازند. ما هم چنین تلاش می کنیم تا به کمک به و حمایت از مبارزه برادران و خواهرانی بپردازیم که در نتیجه بحران بیکار شده اند. UID-DER نهایت تلاش خود را به کار می برد تا تمامی کارگران را- صرف نظر از شاغل یا بیکار، قراردادی یا دائمی، عضو اتحادیه یا غیر آن- حول منافع طبقاتی متحد سازد و مبارزه علیه طبقه سرمایه دار را شدت بخشد. ما آگاه هستیم که "یک بخش" از طبقه کارگر هرگز نمی تواند به دست خود آزاد شود.

### کارگران تمام جهان، متحد شوید!

جنگ امپریالیستی، بحران سرمایه داری، بیکاری، فقر و گرسنگی چهره وحشیانه سیستم سرمایه داری را آشکار می سازد. تحت حاکمیت سرمایه، بشریت و طبیعت هر دو به سوی نابودی می روند. تنها نیروی این جهان که قادر به حفظ بشریت و طبیعت از سیر نابودی است، طبقه کارگر جهانی می باشد. سرمایه داری به خودی خود سقوط نخواهد کرد، بلکه از خلال مبارزه انقلابی بین المللی سرنگون خواهد شد. تنها انتخاب پیش روی کارگران تمامی کشورها، مبارزه است. ما چیزی جز زنجیرهای خود برای از دست دادن نداریم. در عوض ما جهانی را برای فتح داریم!

" انجمن همبستگی بین المللی کارگران "

## نمایش «شبح سرمایه داری نخواهد آمد»، در سوئیس به روی صحنه رفت

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)-  
ترکیه



یکی از نمایشنامه های گروه تئاتر کارگری «انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER) با نام «شبح سرمایه داری نخواهد آمد» به وسیله جمعی از کارگران سوسیالیست مهاجر ترک در کشور سوئیس به روی صحنه رفت. این کارگران جوان مهاجر که خواهان بزرگداشت واقعه سترگ «مقاومت روزهای ۱۵-۱۶ ژوئن» بودند، از طریق پُست الکترونیکی، ما را از تمایل خود به برگزاری یک نمایشنامه در «فستیوال فرهنگ و هنر» به سازماندهی خودشان مطلع ساختند. آن ها طی پیام خود ضمن درخواست یاری از UID-DER، نوشتند: «ما قصد داریم که یک فستیوال فرهنگ و هنر را در ماه ژوئن در سوئیس برگزار کنیم. به عنوان یک گروه جوان و آماتور موسیقی و تئاتر قصد داریم که یک نمایش کوتاه یا چند اجرا داشته باشیم. منتها در یافتن درام ها و سناریوهایی به زبان ترکی در مورد مبارزات و تجربیات مهم کارگران دچار مشکل شده ایم. آیا شما این گونه درام ها و سناریوها را در اختیار دارید؟ و اگر بله، آیا لطف می کنید که آن ها را برایمان ارسال کنید؟ مشتاقانه در انتظار پاسخ شما هستیم. با احترام، گروه جوانان»

ما از صمیم قلب از این درخواست آنان استقبال کردیم و سناریوی یکی از نمایشنامه های گروه تئاتر کارگری UID-DER را با نام «شبح سرمایه داری نخواهد آمد» به همراه تعدادی از داده های صنعتی-بصری برای معرفی کار UID-DER برایشان ارسال کردیم. اعضای گروه جوانان با وجود امکانات محدود خود تمامی

## شاهرخ زمانی را آزاد کنید!

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)



رژیم ایران همچنان به سرکوب کارگران، فعالین تشکل های کارگری و سوسیالیست های مبارز ادامه می دهد. اکنون یکی از سازماندهان کارگری سوسیالیست، یعنی شاهرخ زمانی، که رژیم در تلاش است با حبس چند ساله وی او را از مبارزه دور نگاه دارد، به شش ماه دیگر حبس در زندان رجایی شهر محکوم شده است. وی به مدت چندین ماه است که در بازداشتگاه رجایی شهر کرج نگهداری می شود و اکنون رژیم آخوندی وی را تهدید کرده است که چنان چه دست از فعالیت های سیاسی خود برندارد، با مرگ رو به رو خواهد شد.

ما به عنوان فعالین «انجمن همبستگی بین المللی کارگری» (UID-DER) خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط شاهرخ زمانی هستیم. نه رژیم آخوندی- به عنوان رژیمی که در جستجوی ارباب کارگران و سوسیالیست های مبارز از طریق تمامی اشکال سرکوب از جمله شکنجه و زندان است- و نه سایر رژیم های بورژوایی در ترکیه و دیگر نقاط جهان، قادر نبوده و نخواهند بود که به اهدافشان دست یابند.

تمامی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری را آزاد کنید!

زنده باید مبارزه انقلابی طبقه کارگر!

زنده باد همبستگی طبقاتی بین المللی!

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)

<http://en.uidder.org>

ترجمه فارسی: شبکه همبستگی کارگری (IWSN)

<http://www.iwsn.org>

## علیه جنگ افروزی ها نمی ایستید؟

انجمن همبستگی بین المللی کارگری (UID-DER) -  
ترکیه

بولتن همبستگی کارگری، شماره ۶۶

جنگی بی‌رحمانه در خاورمیانه جریان دارد. حکومت ترکیه ضمن آن که با شدت و حدت به دنبال متقاعد کردن مردم به جنگ است، به انواع بهانه ها و دروغ ها چنگ می زند تا هرگونه مداخله احتمالی در سوریه را توجیه کند. بسیار خوب، باید پرسید جنگی که حکومت حزب عدالت و توسعه برایش مشغول تدارک است، از کجا برخاسته؟ طرفین واقعی این جنگ چه کسانی هستند؟ چه منافعی دارند؟ پیامد این جنگ برای کارگران چه خواهد بود؟

دیکتاتوری بی رحمانه اسد، در یک سوی جنگ داخلی دو ساله در سوریه است که روسیه، چین و ایران را پشت خود دارد؛ یعنی حکومت هایی که بنا به منافع خود از رژیم اسد پشتیبانی می کنند. در پشت نیروهای اپوزیسیونی که در سودای قدرت مشغول جنگ هستند، کشورهای نظیر ایالات متحده، عربستان سعودی و ترکیه قرار دارند. گرگ ها بر سر طعمه نشسته اند؛ همه آن ها برای کسب بیشترین سهم ممکن در رقابت هستند.

ده ها هزار نفر از مردم سوریه جان باخته اند، و ۲ میلیون نفر وادار به ترک وطن شده اند. مصایب و دشواری های مردم چیزی نیست که برای گرگ های حریص اهمیتی داشته باشد. تمام دولت هایی که در جستجوی نیرومندتر ساختن نفوذ خود هستند، یک هدف مشترک دارند و آن این که اربابان کشورهای خود را فریب تر کنند! اگر حاکمیت اسد در سوریه ادامه یابد، روسیه، چین و ایران، یعنی اربابان این کشورها، همچنان از نفوذ خود بهره مند خواهند شد. برعکس اگر اسد سقوط کند، نیروهای اپوزیسیون برای کسب هژمونی به جان یک دیگر خواهند افتاد که این امر نیز به معنای افزایش نفوذ قدرت های بزرگ غرب و کشورهای نظیر ترکیه و عربستان سعودی بر سوریه خواهد بود. به بیان دیگر، اربابان این کشورها به کسب و کار بیشتری در بازار سوریه دست خواهند یافت؛ آن ها هستند که سهم

تلاششان را در آن زمان اندک به کار بستند و نمایشنامه را روی صحنه بردند. نمایشی که در فستیوال اجرا گردید، با تشویق ها و شور و شوق حضار رو به رو شد، و اجرای بازیگران جوان بسیار تأثیرگذار صورت گرفت.

پس از فستیوال، گروه جوانان یک پیام الکترونیکی دیگر برای ما ارسال نمود: «... فستیوال فرهنگ و هنر که ما به مناسبت بزرگداشت ۱۵ و ۱۶ ژوئن سازماندهی کردیم، بسیار موفقیت آمیز، بزرگ و پرشور بود. "شبح سرمایه داری نخواهد آمد" با استقبال بسیار خوب حضار رو به رو شد. بار دیگر از همبستگی شما قدردانی می کنیم. از آن جا که متأسفانه ارسال فیلم ویدیویی اجرا دشوار است، می خواهیم شما را در برخی از تصاویر آن سهیم کنیم.»

۲۰ اکتبر ۲۰۱۳

گروه تئاتر کارگری

[http://en.uidder.org/Koseler/workers\\_theatre](http://en.uidder.org/Koseler/workers_theatre)

ترجمه: شبکه همبستگی کارگری (IWSN)

بیشتری از چپاول و غارت نیروی کار کارگران و زحمتکشان خواهند برد. در واقع نفوذ آنان بر کلّ خاورمیانه فزونی پیدا خواهد کرد.

به همین دلیل در همان حال که جنگ امپریالیستی برای کارگران و زحمتکشان، یعنی آنان که برای زنده ماندن عرق می ریزند، همچون یک کشتار مهیب می ماند، برای سرمایه دارانی که تنها نگرانی شان کسب سود از همین جنگ است، همانند یک ضیافت است... چند سال پیش بالغ بر یک میلیون نفر در عراق به دست یک ائتلاف امپریالیستی از کشورهای به رهبری ایالات متحده آمریکا سلاخی شدند. رهبری حزب عدالت و توسعه به سختی تلاش کرد تا ترکیه را هم درگیر جنگ عراق کند، اما آن ها به یمن واکنش عمومی جامعه قادر به تصویب قطعنامه ای از پارلمان نشدند. ترکیه مستقیماً وارد جنگ عراق نشد، ولی از حمایت لجستیک از این قتل عام دریغ نورزید. به خاطر همین حمایت بود که سیاستمداران و سرمایه داران پس از جنگ به عراق سرازیر شدند. نفت عراق بین کمپانی های آمریکایی و بریتانیایی تقسیم شد. سرمایه داران ترکیه نیز از طریق مناقصه در پروژه های ساخت و ساز به این غارت پیوستند. سرمایه داران ترک در بخش صنایع غذایی نیز از این غنیمت ها منتفع شود.

نبرد قدرت در سوریه، نبردی است میان قدرت های سرمایه داری. حکومت عدالت و توسعه محاسبه کرده بود که اسد به زودی سقوط خواهد کرد و بدین ترتیب ترکیه نیز در سوریه حرفی برای گفتن خواهد شد. ترکیه با ارائه حمایت تسلیحاتی و لجستیک به نیروهای اپوزیسیون، بخشی از این جنگ کثیف است. از زمان انفجارها در «جبلان پینار» و «ریحانلی»، دیکتاتوری اسد سقوط نکرده و این نشان می دهد که محاسبات حزب عدالت و توسعه درست از آب درنیامده است. جنگ در سوریه در حال به درازا کشیده شدن است.

بی تردید اسد یک مستبد بی رحم است که به هر کاری دست می زند تا قدرتش را از دست ندهد. تصاویر کشتار و زجرکش شدن کودکان، سند اثبات سببیت سیاستمداران سرمایه داری و حرص و طمع آن ها برای قدرت است. باندهای مسلح اپوزیسیون همان قدر بی رحم هستند که

اسد. مردم سوریه نه فقط از دیکتاتوری اسد، بلکه همین طور از باندهای مسلحی نظیر القاعده فرار می کنند که به نام اسلام مسئول کشتارهای خونینی هستند.

کارگران و زحمتکشان سوریه یک طرف این جنگ نیستند و نباید باشند. این جنگ، جنگی ارتجاعی است که از سوی نیروهای ارتجاعی هر دو سو دامن زده می شود. منافع آن ها و منافع کارگران، زحمتکشان و فقرا تماماً در مقابل یک دیگر است. سرمایه داران و سیاستمداران ترکیه به زجر و مصیبت مردم سوریه به هیچ وجه اهمیتی نمی دهند. هرچند حکومت ترکیه به مدت دو سال در حال هدایت یک سیاست جنگ افروزانه به همراه تبلیغات جنگ طلبانه بوده، اما شکست خورده است. اکثریت کارگران ترکیه موافق حمله امپریالیستی به سوریه نیستند. مردم سوریه با تهاجم کشورهای نظیر ایالات متحده یا ترکیه از دستان دیکتاتورهای بی رحم خود نجات نخواهند یافت. ما در عین این که علیه مداخله امپریالیستی در سوریه می ایستیم، خواهان سرنگونی رژیم اسد نیز هستیم. این اقدامی است که باید به دست خود کارگران و زحمتکشان سوریه رخ بدهد. وظیفه ما ایستادگی در برابر جنگ افروزی، و حمایت از کارگران و زحمتکشانی است که برادران و خوهران طبقاتی ما محسوب می شوند.

۱۵ سپتامبر ۲۰۱۳

[http://en.uidder.org/won\\_t\\_you\\_stand\\_up\\_a\\_gainst\\_war mongering.htm](http://en.uidder.org/won_t_you_stand_up_a_gainst_war mongering.htm)

ترجمه فارسی: شبکه همبستگی کارگری (IWSN)

<http://www.iwsn.org/>



## جوانان دیگری هم هستند که سخن بگویند...

می کنی". آن ماشین آلات انگار من را مجازات می کردند؛ آن روزهای کاری هم به نوعی عاطلی و باطلی بود. من نمی خواستم کار کنم، ولی مادرم می گفت که "عادت می کنی". ولی من عادت نکردم».

جوانان طبقه کارگر به کار کردن در شرایط دشوار، از جمله ساعات طولانی کار، وادار می شوند. سوانح کار بی شماری برایشان رخ می دهد که منجر به جان باختن یا نقص عوض این بدن های جوان می گردد. آن ها در اوج جوانی خود با مشکلاتی جدی رو به می شوند که هیچ یک غیر قابل اجتناب نیستند. برای مثال رایج ترین مورد، قطع انگشتان یا قطع دست است. بسیاری از آن ها احساس شرم می کنند که دستان خود را از جیب بیرون بیاورند؛ آن ها احساس می کنند که ناقص هستند و بنابراین کل زندگی خود را به کشمکش با این مشکلات روحی و روانی سپری می کنند.

سوء رفتار و توهین هم به کارگران جوان ضربه می زند. آن ها می گویند که حتی با حیوانات هم بهتر رفتار می شود و این که کارفرمایان به سلامتی و رفاه کارگران اهمیتی نمی دهند. آن ها مجبور بوده اند که به دلیل عدم سازمان یافتگی، به عرق ریختن و سوء رفتار تن در دهند. چرا که حفظ عزت یک شخص، احترام و رفتار مناسب، دلیلی برای اخراج شدن است. فقط اگر همین فحاشی و توبیخ نباشد، محیط کار از منظر آن ها «بسیار راحت» خواهد بود.

مشکل دیگری که اغلب کارگران متولد دهه ۹۰ از آن می گویند، انزوا است. آن ها نه پول دارند و نه وقت و انرژی برای یافتن دوست و ملاقات با آن ها در خارج از محیط کار. وقتی میکروفون را جلو می بریم و می پرسیم که چه طور هستند، برخی کارگران در همان حال که سرشان را پایین انداخته و به سمت خانه می روند، جیب یا کیف پولشان را نشان می دهند. آن ها به ما می گویند که برای حداقل دستمزد کار می کنند و در جدال برای رفع نیازهایشان، حتی پول یک فنجان چای در کافه هم برایشان باقی نماند. بنابراین معاشرت با دوستان و گشت و گذار برای آن ها بیش از پیش ناممکن می شود.

کارگران جوان با سایر جوانان در پارک گزی تفاوت دارند؛ درباره تفاوت هایشان می گویند: «آن ها مجبور نیستند که کار کنند، اما ما مجبوریم. در همان حال که آن



انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)-  
ترکیه

در چارچوب بحث هایی پیرامون «نسل دهه ۹۰» به دنبال اعتراضات پارک گزی، مصاحبه هایی از سوی بولتن «همبستگی کارگری» صورت گرفته است که نشان می دهد جوانان طبقه کارگر با مشکلات بزرگی دست به گریبان اند؛ اما کوچکترین توجهی به این مشکلات نمی شود. از جوانان متعلق به اقشار مرفه که در طول اعتراضات گزی دست بالا را پیدا کردند و تحسین می شدند، به گونه ای صحبت می شود که گویا معرف کل جامعه هستند. جوانانی که گویا در مدارس با کیفیت بالا تحصیل کرده اند، همراه با فن آوری مدرن رشد کرده اند، سرکش هستند و شیفته آزادی خود. اما کارگرانی هم هستند که در دهه ۹۰ متولد شده اند. این کارگران جوان هم که دشواری ها و مشقات بیگارخانه ها را متحمل می شوند حرفی برای گفتن دارند.

می گویند آن چه به آن ها آسیب می رساند این است که از فرصت کودکی کردن محروم بوده اند. کودکی آن ها در حالی ربهوده شد که سایر کودکان مشغول بازی بودند. زن کارگر جوانی که از بیماری های مزمن رنج می برد توضیح می دهد که چگونه مجبور بود در سن ۱۲ سالگی برای کار به کارخانه ای برود:

«من یک دختر بچه ۱۲ ساله بود. اولین شغلم، کار در یک کارخانه بافندگی با ماشین آلات عظیم بود. روزهای وحشتناکی آن جا داشتم. می خواستم فوراً بیرون بروم و همین موضوع را به مادرم گفتم. در جوابم گفت: "عادت

## چه کسی از حقوق کارگران دفاع خواهد کرد؟

بولتن همبستگی کارگری

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)-  
ترکیه

کارگران با مسائل و مشکلات فراوانی رو به رو هستند که می توان در دست کم موارد زیر برشمرد:

\* دستمزدها پایین هستند؛ میلیون ها نفر از کارگران معادل حداقل دستمزد یا تنها کمی بیش از آن دریافت می کنند. بنابراین به طور مداوم مجبور می شوند که برای افزایش درآمد خود به اضافه کاری بپردازند. به همین دلیل نمی توانند برای خانواده های خود وقت صرف کنند و بیش از پیش از زندگی اجتماعی جدا می شوند. مبارزه برای بقاء، زندگی را برای کارگران غیرقابل تحمل و سیاه می کند.

\* روز-کار بیش از حد طولانی است. هفته کاری در عمل بین ۷۰ تا ۷۵ ساعت می شود. تغذیه مشخصاً ناکافی، بنیه کارگران را در نتیجه ساعات طولانی کار تحلیل می برد.

\* کارفرمایان که انگیزه شان در حرص و ولع برای سود بیشتر خلاصه می شود، از ارائه تمهیدات احتیاطی لازم جهت امنیت کار سر باز می زنند. در نتیجه هر ماه به طور متوسط صد کارگر به دلیل سوانح کار جان خود را از دست می دهند، و بسیاری دیگر دچار معلولیت و نقص عضو می شوند. برای کارفرمایان، هزینه کردن برای امنیت کار به معنای اتلاف سود است. آن چه برایشان اهمیت دارد، نه کارگر، بلکه سرمایه است.

\* بیکاری همانند سقوط بهمن لحظه به لحظه شدت بیشتری می گیرد. طبق داده های رسمی، در حال حاضر سه میلیون کارگر بیکار وجود دارد.

\* کارفرمایان و حکومت «حزب عدالت و توسعه» به دنبال حذف حق سنوات خدمت از طریق واگذاری آن به یک صندوق هستند.

\* از آن جا که قوانین سدّ راه تشکل یابی هنوز به قوت خود باقی هستند، کارگرانی که تلاشی در راستای ایجاد تشکل می کنند همواره اخراج می شوند.

ها به بیمارستان های خصوصی می روند، ما به زحمت می توانیم حتی برای رفتن به بیمارستان عمومی جهت معالجاتمان از کارفرما اجازه مرخصی دریافت کنیم. آن ها به این فکر می کنند که "کجا خوش بگذارند"، ما به این فکر هستیم که "برای خانواده هایمان چه می توانیم بکنیم". در همان حال که آن ها هیچ نوع نگرانی از باب آینده خود ندارند، ما باید فکر کنیم که "فردا چه کار کنیم". آن ها شغل های خوب با درآمدهای بالا و امنیت بیشتر پیدا می کنند، اما ما فاقد هرگونه امنیت شغلی هستیم. آن ها چیزی از سوانح کار نمی دانند، اما ما هستیم که زندگی یا اعضای بدن خود را از دست می دهیم.» در یک کلمه، در همان حال که جوانان مرفه و ثروتمند زندگی راحتی دارند، کارگران جوان محکوم به تحمل بار سنگین زندگی هستند.

بنابراین، جوانان یک کلّ واحد نیستند. در یک سو جوانان طبقه کارفرمایان و خرده بورژوازی هستند و در سوی دیگر جوانان طبقه کارگر. شرایط معیشت و نمای زندگی جوانان مرفه، تماماً متفاوت از جوانان طبقه کارگر است. رسانه های سرمایه داری برای مغشوش کردن آگاهی جوانان طبقه کارگر، رویای بالا رفتن از نردبان اجتماعی را در بوق و کرنا می کنند. جوانان طبقه کارگر نباید با چنین رویاهایی همراه شوند، بلکه موقعیت طبقاتی و مشکلات خود را درک کنند. تنها یک راه بُرون رفت برای جوانان طبقه کارگر وجود دارد: اتحاد، سازماندهی، آگاهی طبقاتی و مبارزه! ما انتخاب دیگری نداریم.

۱۵ اوت ۲۰۱۳

[http://en.uidder.org/the\\_other\\_youth\\_speak\\_out.htm](http://en.uidder.org/the_other_youth_speak_out.htm)



می توان این فهرست را همچنان ادامه داد.

از آن جا که کارگران فاقد تشکلات و سازمان های نیرومند هستند، مشکلاتشان نادیده گرفته می شود و به راحتی پنهان می گردد.

قطب بندی کاذب موجود در جامعه که به خصوص از سوی حزب عدالت و توسعه، حزب جمهوری خواه مردم و حزب جنبش ملی گرا ایجاد شده است، مشکلات کارگران را مخفی می کند.

«حزب عدالت و توسعه» برای قطبی کردن جامعه، مردم را از با معیار مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می کند. آن ها تلاش می کنند که مردم مذهبی را با سوء استفاده از احساسات مذهبی شان هدایت کنند. پس از ۱۱ سال حضور در قدرت و ثروتمندتر ساختن سرمایه داران نزدیک به خود، هنوز در حال شکایت و غرولند هستند. حزب عدالت و توسعه نقش قربانی را بازی می کند و می گوید «نمی خواهند که ما کنترل کامل بر دولت را داشته باشیم. می خواهند ما را با روش های غیرقانونی پایین بکشند».

حزب عدالت و توسعه با عدم رفع کامل ممنوعیت حجاب، هنوز دارد از مسأله حجاب در جهت سیاست خود استفاده می کند.

حزب عدالت و توسعه ضمن دخالت در سبک زندگی مردم، به دنبال آن است که جامعه را مطابق با جهان بینی محافظه کارانه خود به صورت «یا حرف من یا هیچ چیز دیگر» تغییر شکل بدهد. آن ها تلاش می کنند تا هر کسی را که حقوق دمکراتیک خود را مطالبه می کند، با باتوم و گاز اشک آور پلیس ساکت کنند. کسانی را که به سرکوب و حکومت استبدادی آن ها واکنش نشان می دهند، «تروریست» خطاب می کنند. به این ترتیب ترور و ارباب دولتی و همین طور مشکلات واقعی را پنهان می سازند.

یک جناح از کارفرمایان و حزب جمهوری خواه مردم در حال استفاده از این قطب بندی هستند تا به حزب عدالت و توسعه فشار بیاورند. حزب جمهوری خواه مردم دارد از سیاستی استفاده می کند که مردم سکولار و جامعه علوی را هدایت کند. حزب جمهوری خواه مردم با استفاده از یک زبان و ادبیات نخبه گرا، سایر بخش

هرچند واضح است که کارگران مصائب و مشکلات بسیار زیادی دارند، اما سؤالی که باید مطرح کرد این است که چرا به این مشکلات توجهی نمی شود؟ چرا «مجمع» در مورد این مسائل بحث نمی کند؟ چرا احزابی مانند عدالت و توسعه (AKP)، حزب جمهوری خواه مردم (CHP) و حزب جنبش ملی گرا (MHP) اشاره ای به این مشکلات نمی کنند؟

هر کارگری باید این سؤالات را از خودش پرسد و به دنبال پاسخ باشد. آیا مشکلات کارگری مواردی جزئی و بی اهمیت هستند که حتی ارزش ندارند مورد اشاره قرار بگیرند؟ البته که نه.

ما درباره مشکلات طبقه کارگری صحبت می کنیم که با میلیون ها نفر کارگر و خانواده هایشان، اکثریت جامعه را شکل می دهد. بدون کار آن ها، هیچ چیزی نمی تواند از جای خود حرکت کند، تولیدی نمی تواند وجود داشته باشد و در نتیجه جامعه از گرسنگی خواهد مُرد.

پس چرا مشکلاتی که ده ها میلیون نفر از مردم جامعه را در برمی گیرند، نادیده گرفته می شوند؟

در ابتدا باید تأکید کنیم که احزابی همچون حزب عدالت و توسعه، حزب جمهوری خواه مردم و حزب جنبش ملی گرا به دنبال پاسخگویی به این مشکلات کارگران نیستند. پاسخگو نیستند، چون در خدمت نظم سرمایه داری قرار دارند.

این احزاب برای منافع کارفرمایان ایجاد شده اند. این احزاب نماینده جناح های مختلف طبقه حاکم، یعنی طبقه استثمارگر هستند.

به همین دلیل، آن ها نه کوچکترین اشاره ای به مشکلات کارگران می کنند، و به مبارزه ای برای حل این مشکلات دست می زنند. گاهی اوقات وعده رسیدگی و حل برخی مشکلات کارگران را می دهند تا رأی آن ها را در انتخابات به صندوق های خود بریزند و به یک دیگر فشار وارد آورند. اما بلافاصله پس از انتخابات کارگران را فراموش می کنند.

های جامعه را فراموش و این قطب بندی کاذب را تشدید می کند.

حزب جنبش ملی گرا به خصومت علیه مردم گُرد دامن می زند. این حزب تلاش می کند که با مرزبندی های ناسیونالیستی مردم را تفکیک کند و بر مبنای همین ناسیونالیسم برای خود رأی جمع کند.

تمام این سیاست ها در حال حاضر بر مبنای قطب بندی / تقابل کاذب و ساختگی قرار دارد.

این احزاب که بی شرمانه از دمکراسی حرف می زنند، مشغول تقسیم بندی و تفکیک جامعه هستند و اهمیتی به حقوق سایر مردم نمی دهند. اگر این احزاب واقعاً دمکرات بودند، به جای سوء استفاده از مشکلات جامعه، اقدامی برای حل مسائل مرتبط با حقوق دمکراتیک می کردند.

این قطب بندی کاذب به هیچ وجه به نفع کارگران نیست. چرا که این قطب بندی، کارگران را از یک دیگر جدا می کند و به تقابل و ضدیت با یک دیگر می کشاند. قطب بندی واقعی باید بر اساس مرزها و خطوط طبقاتی صورت بگیرد: طبقه آن ها و طبقه ما، منافع آن ها و منافع ما! ما کارگران باید به عنوان یک طبقه برای منافع خودمان متحد شویم.

تمامی کارگران، اعم از تُرک و گُرد، علوی و سنی، باحجاب یا بی حجاب، باید دست به دست یک دیگر دهند؛ ما باید بر این قطب بندی کاذبی که به ما تحمیل می شود، غلبه کنیم.

ما طبقه کارگر هستیم؛ باید با آگاهی طبقاتی عمل کنیم و یک خط سیاسی مشخص را برای محور قطب بندی های کاذب دنبال نماییم.

ما، به عنوان حامیان «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» (UID-DER) اعلام می داریم: این طبقه کارگر است که از دمکراسی حقیقی دفاع می کند. هیچ بخشی از جامعه حق آن را ندارد که سبک زندگی خود را به دیگران تحمیل کند. تمامی بخش های جامعه باید از حق به جای آوردن مناسک دینی خود برخوردار باشد: آزادی برای همه عقاید!

علوی ها خواهان حقوق دمکراتیک خود هستند و این حقوق باید به رسمیت شناخته شوند.

ممنوعیت حجاب باید رفع گردد و به بهره برداری و سوء استفاده از این مسأله خاتمه داده شود.

مطالبات دمکراتیک مردم گُرد باید پاسخ داده شود و صلح نیز باید برقرار گردد.

تمامی این مطالبات، مطالبات دمکراتیک هستند و پاسخگویی به تمامی این مطالبات به نفع کارگران است. اگر کارگران با این مشکلات برخورد و برای حل آن ها مبارزه کنند، احزاب متعلق به کارفرمایان قادر به تقسیم جامعه به قطب های کاذب نخواهند بود.

تنها تشکلات و سازمان های کارگری هستند که می توانند به مشکلات کارگری برخورد کنند. درست مثل UID-DER!

ما تمامی کارگران، برادران و خواهران طبقاتی خود را به صفوف UID-DER فرامی خوانیم تا مصممانه از حقوق دمکراتیک تمامی بخش های جامعه، محافظت و برای حل مسائل و مشکلات کارگران، مبارزه کنیم.

۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳

[http://en.uidder.org/who\\_will\\_take\\_care\\_of\\_workers\\_rights.htm](http://en.uidder.org/who_will_take_care_of_workers_rights.htm)

ترجمه فارسی: شبکه همبستگی کارگری (IWSN)

<http://militaant.com/?p=2944>

## به احزاب رژیم اعتماد نکنید! پیش به سوی اتحاد کارگران!

بولتن همبستگی کارگری

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER) - ترکیه



معیشت کارگران، واقعاً دشوار و دردآور شده است.

مبارزه برای زنده ماندن، برای تأمین معیشت و نگهداری از خانواده، زندگی را برای کارگران غیرقابل تحمل می کند. رنج، اضطراب و فرسایش، به جزئی جدایی ناپذیر از زندگی کارگران تبدیل شده است.

آیا زندگی کارگرانی که تمام تلاش خود را می کنند تا با حداقل دستمزد از عهده نیازهایشان بربیایند، با زندگی افراد متمدن و مرفه یکسان است؟

آیا وضعیت کارگرانی که مجبورند تقریباً همه وقت خود را در اضافه کاری، آن هم در ازای صنّار پول صرف کنند، می تواند با وضعیت ثروتمندانی یکسان باشد که نمی دانند فقر و نیاز به چه معناست؟

در حالی که کارگران به خاطر کار تقریباً پی در پی شبانه روزی، حتی از دیدن همسر و فرزندان خود هم محروم می شوند، شاهدیم که طبقه ثروتمندان از زندگی با ثروت های مفرط لذت می برند.

## پیام همبستگی با بهنام ابراهیم زاده

انجمن همبستگی بین المللی طبقه کارگر (UID-DER) - ترکیه

کارگران عزیز ایرانی،

ما به عنوان برادران و خواهران کارگر شما در ترکیه، به شکل تنگاتنگی از سرکوب و ارباب طبقه کارگر به دست رژیم ایران مطلع هستیم و آن را محکوم می کنیم. یکی از جدیدترین نمونه های این سرکوب، مورد بهنام ابراهیم زاده است. او به عنوان فعال دفاع از حقوق کارگران و کودکان کار، به ۵ سال حبس محکوم شده است؛ ۳ سال را در زندان سپری کرده و اکنون با بی عدالتی دیگری رو به رو شده است. به او اجازه نمی دهند در کنار تنها فرزندش باشد که از بیماری سرطان خون رنج می برد.

ما کارگران «انجمن همبستگی بین المللی کارگری» (UID-DER) خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط بهنام ابراهیم زاده و تمامی دیگر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی هستیم. ما تماماً از مبارزه برادران و خواهران طبقاتی خود در ایران پشتیبانی و حمایت می کنیم. بر این اعتقادیم که دیر یا زود تمامی رژیم های بورژوازی بیدادگر، سرنگون و مجبور به پس دادن حساب خواهند شد.

تمامی فعالین سیاسی و کارگری در بند را آزاد کنید!

زنده باد اتحاد بین المللی مبارزه طبقه کارگر!

۵ سپتامبر ۲۰۱۳

[http://en.uidder.org/solidarity\\_message\\_for\\_behnam\\_ebrahimzadeh.htm](http://en.uidder.org/solidarity_message_for_behnam_ebrahimzadeh.htm)

ترجمه: شبکه همبستگی کارگری (IWSN)

زمانی یکی از رهبران طبقه کارگر گفته بود: کوخ نشینان یک طور فکر می کنند، کاخ نشینان طوری دیگر!

آیا منافع آن افراد مرفهی که کارگران را استثمار و از ثروت بهره مند می شوند، می تواند همان منافع کارگرانی باشد که علیه فقر می جنگند؟ آیا این دو طبقه می توانند جهان را به یک رنگ ببینند؟

منافع کارگران و کارفرمایان با یک دیگر تفاوت دارد؛ زندگی کارگران و کارفرمایان یکسان و شمایه نیست؛ آن ها هر یک دنیا را به شکلی می بینند. این گفته همان قدر واقعی و ملموس است که سردی یخ!

اما کارگران از این واقعیت آگاه نیستند. چرا؟ دلیل آن این است که کارگران هنوز به عنوان یک طبقه متحد و متشکل نیستند.

این وضعیت در دستان سیاستمدارانی قرار دارد که در جستجوی دائمی سود، نظام کارفرمایان را تقویت و حفظ می کنند. همین موضوع است که به شکل مختلف به انشقاق در میان کارگران می انجامد و مانع از این می شود که آن ها بر سر حقوق خود گرد هم بیایند.

مثلاً قطب بندی میان خود طبقات حاکم در حوزه سیاسی، یک قطب بندی مصنوعی در درون طبقه کارگر ایجاد می کند.

احزاب رژیم، مانند عدالت و توسعه (AKP)، حزب جمهوری خواه مردم (CHP) و حزب جنبش ملی گرا (MHP) که به شکل ساختگی جامعه را قطب بندی می کنند، در واقع به منافع چه کسانی خدمت می رسانند؟

آیا زندگی و معیشت کارگران مثل زندگی رهبران این احزاب و نمایندگانشان است که اکثراً کارفرما هستند؟

حقیقت این است همه این احزاب، نماینده افشار مرفه هستند. همه آن ها از نظام سود کارفرمایان دفاع می کنند. هر کارگری باید به این روشنی این را بداند.

اگر حزبی علیه استثمار و تحقیر کارگران، طولانی تر شدن ساعات کار، مرگ و آسیب کارگران در سوانح کار، دستمزدهای فلاکت آمیز، پیمانکاری و کار

«منعطف» وارد نمی شود، پس معنایش این است که در واقعیت دارد از منافع کارفرمایان دفاع می کند.

در یک طرف، حزب AKP است؛ در طرف دیگر CHP و MHP: جامعه بر اساس منافع حاکمان به اردوگاه هایی تقسیم می شود و همین به قطب بندی هایی مصنوعی منجر می شود که مشکلات واقعی را می پوشاند.

حزب عدالت و توسعه دارد رژیمی را مستقر می کند که به تدریج، سرکوب و اقدامات پلیسی را افزایش می دهد. پلیس از باتوم و گاز اشک آور علیه مردمی استفاده می کند که حقوق خود را می خواهند.

پلیس درحال استفاده از ارباب بی حد و اندازه برای درهم شکستن اعتراضات بوده است که علیه تلاش دولت برای ساختن «سربازخانه های نظامی قدیم» (Topçu Kışlası) در پارک گزی آغاز شد. نخست وزیر اردوغان با «غارتگر» (çapulcu) خطاب کردن مردمی که حقوقشان را می خواستند، آن ها را تحقیر کرد.

وجود قطب بندی اجتماعی باعث شده است که از یک سو بخشی از جامعه به دلیل این اهانت به خشم بیاید، در حالی که بخشی دیگر به دفاع از آن هل داده شود، هرچند چندان تمایلی به آن نداشته باشد.

حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان با سوء استفاده از این قطب بندی اجتماعی فعلی، در تلاش هستند که گردن کلفتی خودش را («یا حرف من یا هیچ چیز») مشروعیت ببخشد و قانونی کند.

حزب CHP هم به این قطب بندی دامن می زند و تلاش دارد که مردم خمشگین و عاصی را علیه AKP کانالیزه بکند.

حزب فاشیست (MHP) هم به دنبال آن است که از طریق مخالفت با حل مسئله کردها و دامن زدن به ناسیونالیسم، از این قطب بندی نفع ببرد.

این قطب بندی، ساختگی و توهمی است. این قطب بندی، چشم کارگران را می بندد. این قطب بندی کارگران را از متحد شدن برای حل مسائل و مشکلاتشان باز می دارد.

هرچند منافع همه کارگران، صرف نظر از مذهبی یا سکولار، علوی یا سنی، ترک یا کرد، باحجاب یا بی

حجاب، مشترک است؛ کارگران برداران و خواهران طبقاتی هم هستند و مشکلی با هم ندارند.

ما به یک قطب بندی متفاوت نیاز داریم: کارفرمایان و احزابی که از نظام سود دفاع می کنند در یک قطب؛ کارگران و تشکلات کارگری مدافع منافع کارگران، در قطب دیگر.

کارگران نه باید از AKP دنباله روی کنند، و نه از CHP و MHP. از این احزاب رژیم هیچ نفعی به کارگران نخواهد رسید. مأموریت آن ها، ثروتمندتر کردن کارفرمایان و رؤسا است.

اردوغان در یکی از سخنرانی های خود درباره اعتراضات پارک گزی، این حقیقت را تأیید کرد: «کسانی که در دوره حکومت ما پنج برابر ثروتمند شدند، حالا علیه ما شده اند».

با این حال حکومت AKP که مشغول حمله به حقوق کارگران و تحقق جاه طلبی های کارفرمایان در طول ده سال گذشته بوده و هست. در همین حال که کارگران در فلاکت به سر می برند، کارفرمایان جیب هایشان را پر می کنند.

شرایط معیشت کارگران دشوارتر شده است:

سن بازنشستگی به ۶۵ سال افزایش یافته؛ ساعت کار طولانی تر شده، سرعت کار بالا رفته، نظام پیمانکاری گسترش پیدا کرده، قدرت خرید کارگران پایین رفته، مزایا و سایر پرداخت های جانبی به کارفرمایان وسیعاً برگشته است. فقط به خاطر عدم رعایت ملزومات ایمنی کار، ماهانه حدود ۱۰۰ کارگر جان خود را از دست می دهند و صدها نفر مجروح می شوند.

حکومت AKP به جای انجام تحقیقات ضروری و جلوگیری از سوانح کار، وقیحانه آن را «تقدیر» می خواند و به این ترتیب با سوء استفاده از باوردهای مذهبی کارگران، صورت مسأله را پاک می کند.

حکومت AKP در تلاش بوده است که حق سنوات خدمت را حذف کند، نظام پیمانکاری را گسترش بدهد، اداره های استخدام خصوصی (باید گفته اداره های برده) را قانونی کند. هدف آن ها این است که تا حد ممکن

نیروی کار را ارزان و کارفرمایان را ثروتمندتر و ثروتمندتر کنند. ولی آیا احزاب رژیم و ائتلاف مرفه جامعه اهمیتی به این مشکلات می دهند و خشمگین می شوند؟

حکومت AKP، با بهره برداری از استیصال مردم رأی جمع می کند. برخی خدمات عمومی پایه ای را بهتر از احزاب طبقه حاکم در گذشته ارائه می دهد و با کلی سر و صدا این خدمات را تبلیغ می کند. آن ها اساساً از احساسات مردم مذهبی بهره برداری و به شکل بی شرمانه ای تلاش می کنند که خود را به عنوان جزئی از مردم زحمتکش جا بزنند.

خواهران و برادران، بیایید در مقابل این حقه ها بیدار شویم!

می دانیم که شما از این شرایط معیشتی به ستوه آمده اید. شما ناراضایتی خود را به شکل های مختلف ابراز می کنید. نفرین شما، دشنام های شما، بیانگر ناراضایتی شماست. اما ناراضی بودن کافی نیست! باید آگاه و متشکل شویم!

در تله قطب بندی ساختگی نیفتید! فارغ از باورها، زبان، پوشش، ما طبقه کارگر هستیم؛ ما همگی برادران و خواهران تحت استثمار، ستم و تحقیر کارفرمایان هستیم. ما در محیط های کار شانه به شانه یک دیگر کار می کنیم، با هم غذا می خوریم، شرایط زندگی یکسانی داریم.

بیایید بگوییم: «دیگر بس است!»

فراموش نکنید که این وحدت کارگران است که می تواند به قطب بندی ساختگی در جامعه پایان دهد!

حول اتحاد و منافع کارگران، و از طریق مبارزه برای غلبه بر قطب بندی ساختگی از سوی احزاب رژیم، گرد هم آید!

۱۶ ژوئیه ۲۰۱۳

[http://en.uidder.org/no\\_trust\\_in\\_system\\_parties\\_go\\_for\\_the\\_unity\\_workers.htm](http://en.uidder.org/no_trust_in_system_parties_go_for_the_unity_workers.htm)

ترجمه فارسی: فعالین شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

پیام «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه  
به «شبکه همبستگی کارگران ایران»



خواهران و برادران همطبقه ای ما،

ما نیز مراسم اول ماه مه شما را که روز وحدت، مبارزه و همبستگی برای طبقه کارگر است، جشن می گیریم. طبقه کارگر تنها از طریق ایستادگی سازمان یافته و مصممانه است که می تواند در مقابل حملات بورژوازی تاب بیاورد. ما به عنوان «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» (UID-DER) اعتقاد داریم که این مبارزه سازمان یافته، بایستی در مقیاس بین المللی صورت بگیرد و ما باید با چنین درکی از مبارزه وارد عمل شویم. با به یاد داشتن این حقیقت که کارگران سازمان یافته، شکست داده نخواهند شد، بهترین آرزوها را برای پیروزی و کامیابی شما در مبارزه تان داریم.

زنده باد وحدت بین المللی مبارزه طبقه کارگر!

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)

۳۰ آوریل ۲۰۱۳

<http://en.uidder.org/>

پیام «شبکه همبستگی کارگران ایران» به «انجمن  
همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه

به برادران و خواهران همطبقه ای خود،

با سپری شدن یک سال از مبارزات، و پیروزی ها و شکست های توأمان آن، باری دیگر مراسم اول ماه مه را جشن می گیریم. هر روز که می گذرد،



سرمایه داری طبقه کارگر را در مقیاس جهانی و همین طور تکنولوژی را یکپارچه تر می سازد؛ به طوری که کارگران دورترین سرزمین ها نیز عملاً در تجارب مبارزاتی مشترکی با کارگران باقی دنیا سهیم می شوند. اکنون ما می توانیم در کسری از ثانیه، از درد و رنج کارگران دیگر کشورها، مانند بنگلادش، مطلع شویم.

انگیزه و محرک سرمایه داران برای کسب سودهای بیشتر در فراسوی مرزهای خود نیز ناگزیر شرایطی را برای ایجاد همبستگی بزرگ تر و عمیق تر بین المللی کارگران فراهم آورده است. «شبکه همبستگی کارگران ایران» اعتقاد دارد که راه نه فقط جلوگیری از تراژدی هایی مانند فرو ریختن ساختمان کارخانه در «داکا» یا مقاومت در برابر حمله به دستمزدها و شرایط کار، بلکه همچنین حرکت به سوی پیروزی و بهبودهای جدید در شرایط معیشت و کار کارگران، ایجاد پیوندهای نزدیک تر با انجمن هایی نظیر «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» (UID-DER) است؛ به طوری که بتوانیم با یک دیگر به سوی اتحاد و همبستگی وسیع تر با طبقه کارگر حرکت کنیم. از خلال این مسیر است که می توانیم اطمینان دهیم همبستگی با طبقه کارگر، فراتر از اول ماه مه می رود و هر روز سال، مبارزات را به پیش می راند.

زنده باید اتحاد و مبارزه بین المللی طبقه کارگر!

شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

۲۸ آوریل ۲۰۱۳





شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

شایان ذکر است عده بسیار زیادی زخمی و ده ها نفر نیز دستگیر شدند که از سرنوشت دستگیر شده ها خبری در دسترس نیست.

مراسم در محله «گیزه» استانبول

امروز صبح با ابتکار «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه و چند تشکل دیگر فراخوان به تظاهرات در محله گیزه، از مهم ترین محلات کارگری استانبول، داده شد که با استقبال هزاران نفر روبه رو گشت.

به این ترتیب از ساعت هشت صبح، کارگران دسته دسته در صفوف به هم تنیده و متحد در این محل با پلاکاردها، شعارها و تجهیزات برگزاری باشکوه این مراسم حضور یافتند. مراسم با رژه کارگران و خواندن سرودهای انقلابی و کارگری به سمت میدان اصلی گیزه شروع شد و با پایکوبی و شعارهای آتشین حاضرین ادامه یافت.

ایرانیان، کارگران و فعالین کارگری پناهجوی مستقر در ترکیه با فراخوان «کمیتة حمایت از شاهرخ زمانی» و دعوت رفقای «شبکه همبستگی کارگری» در این مراسم حضور یافتند و خواستار آزادی بی قید و شرط کارگران، فعالین کارگری زندانی و همه زندانیان سیاسی ایران شدند.

### گزارشی از برگزاری مراسم اول ماه مه ۲۰۱۳ شهر استانبول ترکیه

صبح روز ۱ مه ۲۰۱۳ در شهر استانبول ترکیه هزاران کارگر با حضور در خیابان های اصلی این شهر با رژه و راه پیمایی مراسمی روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. مراسم اول ماه مه امسال در شهر استانبول در سه منطقه مجزا برگزار شد، که یکی از آن ها حوالی میدان تقسیم بود.

راهپیمایی تشکل های کارگری مثل سندیکای دیسک، کسک و سندیکای تورکیش و هم چنین شماری از احزاب و سازمان های چپ از ساعت هفت و نیم صبح امروز در محله های اطراف میدان تقسیم شروع گردید و با وجودی که پلیس شب گذشته چهار هزار نیرو از شهرهای اطراف به استانبول وارد کرده و تا شعاع سه کیلومتری میدان تقسیم تمامی راه ها را مسدود کرده بود، باز هم از همان دقایق اول صبح کارگران به سمت میدان تقسیم حرکت کردند؛ اولین درگیری ها در خیابان بشیکتاش شروع شد و ماشین های آب پاش به اضافه گاز فلفل به استقبال کارگران رفتند، پلیس هم با باتوم های برقی مشغول ضرب و شتم کارگران شد و درگیری ها تا زمان نگارش این خبر که پاسی از شب است، ادامه دارد.



شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

ایرانیان شرکت کننده با حمل پلاکاردهایی با مضمون هایی شامل «آزادی کارگران زندانی»، «کارگران جهان متحد شوید»، «کارگران ایران تنها نیستند» و حمل عکس و پلاکارد فعالین کارگری زندانی دوشادوش هم طبقه ای های ترک خود در این مراسم حضور یافتند.

پس از چند ساعت راه پیمایی و حضور در میدان اصلی گیزه، مراسم با رقص و پایکوبی و شادی ساعت دو نیم بعد از ظهر پایان یافت.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری.

کمیته حمایت از شاخرخ زمانی

۱ مه ۲۰۱۳ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲)



شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)





## گزارشی از برگزاری سمینار «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه با کارگران بندر مرسین



**توضیح:** متن زیر گزارشی است که رفیق شجاع ابراهیمی، از فعالین «شبکه همبستگی کارگران ایران»، پس از شرکت در سمیناری که از سوی «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه در همبستگی با کارگران اعتصابی بندر مرسین برگزار شده بود، تهیه و برای نشریه ارسال کرده است.

\*\*\*

در روز ۲۵ مارس ۲۰۱۳ در شهر مرسین در محل تشکیلات کارگران بندر مرسین ترکیه از مهم‌ترین بنادر این کشور سمیناری جهت دفاع از کارگران اخراجی بندر و مابقی کارگران از سوی «انجمن همبستگی بین المللی کارگران ترکیه» برگزار گشت که به چند بخش مختلف تقسیم می‌شد و حدود ۵ ساعت به طول انجامید.

ابتدا نماینده انجمن همبستگی کارگران با سخنرانی اولیه برای کارگران و معرفی انجمن در پاسداشت حقوق اولیه کارگران بندر کشتیرانی مرسین سخنانی ایراد کرد و سپس نمایندگان کارگران اخراجی و کارگران مشغول به کار، از فعالیت‌های صورت گرفته و نحوه اعتراضات آتی و همچنین نقش برادرانه و مسئولانه رفقای «انجمن همبستگی بین المللی» در زمان اعتصاب و اعتراض، سخنانی ایراد کردند و ادامه بحث بر سر ریاکاری‌های کارفرمایان ادامه داشت. این بخش با چند قطعه شعر و سرودهای کارگری از طرف یکی از زنان عضو انجمن پایان یافت.

## پیام «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه به کارگران اعتصابی سیتروئن در اولنه (فرانسه) به مناسبت اول ماه مه

برادران و خواهران عزیز همطبقه‌ای،

درودهای ما را با گرم‌ترین احساس همبستگی پذیرا باشید. برایتان آرزوی پیروزی در اعتصاب مصممانه‌ای را داریم که چندین ماه است مشغول آن هستید، و همچنین اول ماه مه را نیز تبریک می‌گوییم. انجمن ما (انجمن همبستگی بین المللی کارگران) که متشکل از کارگران مبارز صنایع مختلف است، اعتقاد دارد که حملات بورژوازی در سطح جهانی تنها از طریق دست یافتن به اتحاد بین المللی طبقه کارگر، به عقب رانده می‌شود. ما در وب سایت خود ([www.uidder.org](http://www.uidder.org)) مبارزه شما را از نزدیک دنبال و تلاش می‌کنیم که صدای شما شنیده گردد.

برادران و خواهران، شما در مبارزه خود تنها نیستید. ما به عنوان برادران و خواهران شما در ترکیه نیز با حملات مشابهی رو به رو هستیم و تلاش می‌کنیم که به شیوه‌ای سازمان یافته و مصممانه با آن‌ها مقابله کنیم؛ ما با تمام وجود در جبهه شما قرار داریم و از مبارزه تان حمایت می‌کنیم.

خوشحال خواهیم شد گزارش‌ها و نامه‌هایی را که مایل به ارسال آن‌ها به ما هستید، بر روی وب سایت خود منتشر نماییم.

زنده باد مبارزه طبقاتی!

مبارزه سازمان یافته کارگران، ضربه‌ای به سرمایه خواهد بود!

زنده باد اتحاد بین المللی مبارزه طبقه کارگر!

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)

۲۴ آوریل ۲۰۱۳

[www.uidder.org](http://www.uidder.org)

ترجمه: فعالین شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

## پیام همبستگی و تسلیت «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» به کارگران بنگلادش

برادران و خواهران طبقاتی عزیز ما،

بیش از یک هزار کارگر، جان خود را به دنبال ریزش ساختمان در میدان رانا در روز ۲۴ آوریل از دست دادند و صدها نفر از آنان مجروح گشتند. ما هم به عنوان برادران و خواهران طبقاتی شما در این غم ژرف سهیم هستیم و همبستگی خود را ابراز می‌داریم.

این نظام سرمایه داری سود است که باید مقصر فاجعه، یا بخوانید «کشتار»، در داکا دانسته شود. مقصر اصلی این رویداد هم کارفرمایانی بودند که با وجود نشانه‌های ریزش ساختمان، مراکز کار را خالی نکردند، و هم آن حکومتی که همواره به حمایت و پشتیبانی از آنان می‌پردازد. این گفته وزیر مالیه بنگلادش که «فاجعه، تأثیری جدی بر صنعت پوشاک نداشت»، آن هم در زمانی که هنوز اجساد برادران و خواهران کارگرمان در زیر آوار مدفون است، ما را هم درست مانند شما خشمگین کرد؛ حکومت‌های تحت فرمان سرمایه داران، از منافع سرمایه داران، و نه کارگران، دفاع می‌کنند. وزیران آن‌ها آن قدر بی‌شرم هستند که حتی در غم انگیزترین روز کارگران، از کارفرمایان دفاع کنند.

برادران و خواهران اندوهگین ما،



در ادامه، رفقای انجمن فیلم اعتراضات کارگران بندر لیورپول انگلستان در سال‌ها قبل را به نمایش گذاشتند و در حین فیلم رفقای انجمن همبستگی کارگران با توضیحات و تأکید بر نکاتی که با اتکا به آن‌ها کارگران بندر لیورپول در مقابل دولت و کارفرما پیروز شدند، آموزش‌هایی را به کارگران بندر مرسین انتقال دادند؛ تأکید اساسی بر حفظ وحدت و یکپارچگی کارگران بود، در بین جمع کارگران با دیدن فیلم اعتراضات کارگران انگلیسی و شباهت صد در صد خواسته‌ها و مطالباتشان با کارگران ترک بسیار روحیه گرفتند و قرار شد از فردای آن روز اعتراضات از سر گرفته شود؛ رؤس کارها و اعتراضات آتی به پیشنهاد انجمن به بحث گذاشته شد و پس از چندین ساعت بحث و تبادل نظر رفقا تصمیم گرفتند همه کارگران اعم از باربران، ماشین‌چی‌ها، اخراجی‌ها، و زنان و پرسنل اداری، از این پس نه به طور محفلی، بلکه در کنار هم و با هم در اعتراضات شرکت کنند.

خواست‌های کارگران از این قرار:

بازگشت به کار پرسنل اخراجی و زنانی که به اجبار باز خرید شده بودند.

ادامه کار در سه شیفت کاری (در حال حاضر کارگران در دو شیفت ۱۲ ساعته مشغول به کار هستند).

پرداخت حق مرخصی‌های به تعویق افتاده کارگران و هزینه‌های حق مسکن که هر ماه کسر می‌شود، ولی هیچ‌گاه هم معلوم نمی‌شود که این مبالغ به کجا می‌رود و در کجا صرف می‌شود.

باز کردن دفاتر حسابرسی و توضیح این که چرا با وجود سودآوری و گمرکات بالا در این سال‌ها حقوق‌ها افزایش نداشته‌اند.

در پایان ضمن رأی‌گیری بر سر موضوعات، نمایندگان جدیدی انتخاب گشتند؛ لازم به ذکر است برخی از کارگران نیز بنا به درخواست خود به عضویت انجمن همبستگی کارگران درآمدند که با استقبال رفقای انجمن همبستگی روبرو شد.

شجاع ابراهیمی

ما این کمپین را در محلات کارگری، مراکز صنعتی و مراکز شهرها برگزار می‌کنیم. جایگاه‌های ویژه‌ای را برپا کرده و با کارگران صحبت می‌کنیم. مرگ و میر ناشی از سوانح کار را نشان می‌دهیم و تلاش می‌کنیم تا سطح آگاهی و هوشیاری را بالا ببریم. تاکنون ما بالأخره توانستیم ضمن دسترسی به صدها هزار کارگر، ده‌ها هزار امضا در اعتراض به مرگ و میر در نتیجه سوانح کار جمع‌آوری کنیم.

برادران و خواهران طبقاتی عزیز،

ما به عنوان برادران و خواهران طبقاتی شما در ترکیه، همدردی خود را ابراز می‌داریم. ما نه فقط در غم شما، بلکه در خشم‌تان نیز سهیم هستیم. ما معتقدیم که برای جلوگیری از مرگ و میر کارگران، باید به مبارزه دست بزنیم. از آن‌جا که طبقه کارگر یک طبقه جهانی است، مشکلات و راه‌حل‌های آن هم جهانی است.

منش طبقه کارفرمایان در همه جای جهان یکی است. ممکن است زبان، ملیت یا مذهب آنان متفاوت باشد، اما همگی سرمایه‌دار هستند. سرمایه‌داران کشورها نیز درست مانند کشور شما، با نادیده گرفتن ایمنی کار، اهمیتی به زندگی کارگران نمی‌دهند. قوانین هیچ‌قرابتی با حمایت از سلامت و ایمنی کارگران ندارند. این قوانین بنا به منافع کارفرمایان به وجود آمده‌اند. روزانه ۴ کارگر جان می‌بازند و به این ترتیب خانواده‌های کارگری ویران می‌شوند. ما، «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» (UID-DER) به مدت چندین ماه درگیر برگزاری کمپینی بوده و هستیم تا به مرگ و میر ناشی از سوانح کار پایان دهیم و به ایجاد شرایط سالم‌تر کاری بپردازیم. سرمایه‌داران و حکومت آن‌ها در این‌جا، درست مانند دیگر نقاط جهان، اقدامات احتیاطی ضروری برای امنیت کار را نادیده می‌گیرند تا هزینه‌های تولید را کاهش بدهند، سودهایشان را انباشته کنند، و به زعم خود «اقتصاد را رشد دهند». برای کارفرمایان



حریص، سود بسیار مهم‌تر از زندگی بشر است. آن‌ها مرگ و میر را به عنوان «سرنوشت و تقدیر» توضیح می‌دهند. بنابراین ما کمپین خود را با این شعار اصلی به پیش می‌بریم: «سوانح کار، تقدیر نیستند! از مرگ کارگران در نتیجه سوانح کار جلوگیری کنید!».

نابود بود نظام سرمایه‌داری سود که کارگران را کشتار می‌کند!

زنده باد همبستگی و مبارزه بین المللی کارگران!

۱۱ مه ۲۰۱۳

<http://en.uidder.org/node/17606>

## کارگران «شیشه جام» راه را نشان می دهند: نبرد کنید و پیروز شوید!

انجمن همبستگی بین‌المللی کارگران (UID-DER)

کارخانه توپقاپی را به اسکی‌شهر (۴)، شهری دیگر در نزدیکی آنکارا، منتقل خواهد کرد و کارگرانی که مایل به ادامه کار هستند، باید به همین کارخانه بروند. حدود ۴۵۰ کارگری که عضو «اتحادیه کارگران صنعت

شیشه، سیمان، سرامیک و خاک» (Kristol-Şişe, İ) هستند، حاضر شدند که همراه با خانواده های خود به اسکی‌شهر بروند. اما درست یک هفته پیش از تعطیلی کارخانه توپقاپی، شرکت بیانیه جدیدی صادر کرد و اعلام داشت که کارگران را نخواهد بُرد، بلکه آن‌ها را مرخص خواهد کرد. کارگران که از این بیانیه به خشم آمده بودند، روز ۲۸ دسامبر تولید را متوقف کردند و همراه با خانواده های خود به ایجاد صفوف اعتراضی (پیکت) در مقابل کارخانه پرداختند.



روز ۵ ژانویه، نیروهای پلیس تحت فرمان شهردار استانبول تلاش کردند که کارگران را متفرق و از آن جا دور کنند. بیش از ۱۵۰۰ نیروی پلیس به همراه ماشین های زرهی در اطراف کارخانه حاضر بودند. ۲۵۰ نفر از کارگرانی که از این اقدام به خشم آمده بودند، درها را قفل کردند و کارخانه را تحت اشغال درآوردند. «اتحادیه کارگران صنعت شیشه، سیمان، سرامیک و خاک»، فراخوان به همبستگی و حمایت داد. طی زمان کوتاهی فعالین بسیاری از سازمان های کارگری به همراه خانواده ها در اطراف کارخانه تجمع

روز ۵ ژانویه، حدود ۴۵۰ کارگر «شیشه جام»<sup>(۱)</sup>، کارخانه ای را که سال ها در آن مشغول به کار بوده اند، اشغال کردند. این کارخانه، یکی از کارخانه های تولیدی تحت مالکیت «گروه شیشه جام» است. این گروه که اساساً در تولید شیشه و مواد شیمیایی فعال است، محصولاتی نظیر شیشه فلویت، ظروف شیشه ای مصرفی خانواده ها، ظروف بسته بندی شیشه ای، و



فیبر شیشه و همچنین ترکیبات سودا و گُروم عرضه می کند. این گروه یکی از بزرگترین شرکت های صنعت شیشه در سطح جهان، بین رتبه سوم و هفتم، است. بخش اصلی آن، یعنی «شیشه جام»، تسهیلات زیادی در هشت کشور با ۱۸ هزار کارگر دارد. این گروه در عین حال جزئی از یکی از انحصارات عظیم ترکیه، یعنی «بانک تجارت»<sup>(۲)</sup>، است. اشغال کارگری فوق در کارخانه توپقاپی<sup>(۳)</sup> واقع در استانبول که اساساً ظروف شیشه ای مصرفی خانواده ها را تولید می کند، صورت گرفته است.

شرکت اعلام کرده بود که تا سال ۲۰۱۳،



کسانی که ممکن است بخواهند به استانبول بازگردند، مزایای خود را از دست ندهند.

۱۳۰ نفر از کارگران ترجیح دادند که در استانبول باقی بمانند و بنا به دلایلی شغل خود را ترک کردند. برخی دیگر تصمیم به بازنشستگی گرفته اند. ۵۳ کارگری که در استخدام یک شرکت پیمانکاری هستند، شغل خود را حفظ خواهند کرد و به کارخانه اسکی‌شهر منتقل خواهند شد.

طبق توافقنامه، اعتصاب پایان‌یافته اعلام شد و کارگران به صفوف اعتراضی خود در مقابل کارخانه خاتمه دادند. مذاکرات همچنان بر سر برخی جزئیات در جریان است.

نبرد مصممانه کارگران «شیشه جام» یک نمونه الهام‌بخش برای تمامی کارگران است. آن‌ها تنها راه پیروزی را نشان دادند: اتحاد، سازمان‌دهی، مبارزه!

۱۰ ژانویه ۲۰۱۳

---

(1) Şişecam

(2) İş Bankası

(3) Topkapı

(4) Eskişehir

---

منبع:

[http://en.uidder.org/sisecam\\_workers\\_show\\_the\\_way\\_fight\\_and\\_win.htm](http://en.uidder.org/sisecam_workers_show_the_way_fight_and_win.htm)

---

ترجمه: فعالین شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

کردند تا حمایت خود را نشان دهند. کارگران درون کارخانه با سردادن شعارهای مختلفی از توده حامیان خود استقبال کردند و در این میان مردم نیز با شعارهایی مشابهی پاسخ می‌دادند. شعارها چندین ساعت به طور انجامید، مثلاً: «همسران‌تان به شما افتخار می‌کنند!»، «ما یک خانواده بزرگ هستیم، هیچ‌کسی نمی‌تواند ما را جدا کند!»، «کارگران متحد، می‌توانند زمین را جا به جا کنند!»، «اگر کار و نان نباشد، پس صلحی وجود ندارد!»، «ما کلید را خواهیم زد و در جنگ پیروز خواهیم شد!».

با رشد حمایت‌ها، برخی نمایندگان پارلمان هم به حمایت پرداختند. مدیریت با دیدن حمایت‌های عظیم، باید موضع بالا و متکبرانه خود را تغییر و نشستی با نمایندگان پارلمان ترتیب می‌داد. بعد از نشست، کارگران پذیرفتند که اشغال کارخانه را تمام کنند؛ نیروهای پلیس نیز عقب نشینی کردند. ولی کارگران همچنان صفوف اعتراضی خود را در مقابل کارخانه حفظ کردند.

کارگران خواستار آن بودند که در هر یک از کارخانه‌های شیشه جام در سراسر ترکیه، بدون از دست دادن حقوق اعطایی به آن‌ها، به استخدام دربیایند. ولی شرکت در نظر داشت که کارگران جوان‌تر، با دستمزد پایین‌تر و غیرمتشکل در اتحادیه‌ها را استخدام کند. در حال حاضر کارگران به طور متوسط ۲۵۰۰ لیره ترکیه می‌گیرند، اما «شیشه جام» درصدد بود که کارگران جوان‌تری را با حداقل دستمزد ۷۴۴ لیره ترکیه استخدام کند.

اما کارگران «شیشه جام» دست به نبردی مصممانه زدند و مدیریت «شیشه جام» باید شکست خود را می‌پذیرفت. مدیریت و اتحادیه در تاریخ ۹ ژانویه به توافقی دست یافتند. طبق این توافق، حدود ۲۹۰ کارگر به سایر کارخانه‌های «شیشه جام» در ترکیه منتقل خواهند شد، بدون آن‌که حقوق قانونی و اعطایی به آن‌ها بازپس گرفته شود.

برای تعیین این که کارگران به کدام کارخانه منتقل خواهند شد، رأی‌گیری صورت خواهد گرفت. به کارگران این حق داده شده است که چنان‌چه همکاری را پیدا کنند که حاضر باشند جای خود را با آن‌ها عوض کنند، بتوانند محل کار خود را تعویض نمایند. به علاوه

## بر ترس غلبه کنید، از قطب‌بندی های ساختگی دوری کنید!

### برای حقوق خود متحد شوید!

منبع: بولتن همبستگی کارگری (انجمن همبستگی بین-المللی کارگران)

همه کارگران از بیکاری، ناتوانی از پرداخت اجاره و صورت‌حساب‌ها، و ناتوانی از سیر نگاه داشتن فرزندان خود، وحشت دارند. ترس و وحشت، یک خصلت انسانی است، اما انسان‌ها چگونگی غلبه کردن بر این ترس را هم آموخته‌اند. انسان‌ها از طریق متحد شدن و گردآوردن نیرو و توان خود، بر این ترس فائق می‌آیند و تهدیدی را که



به این ترس می‌انجامد از میان برمی‌دارند. بنابراین ما کارگران هم باید به همین ترتیب درکنار یکدیگر جمع شویم. کارگران زمانی نیرومند هستند که متحد می‌شوند و بر ترس‌ها غلبه می‌کنند. کارفرمایان و رؤسا، به راحتی نمی‌توانند کارگران متحد را نادیده بگیرند! کارگران متحد، پس از غلبه بر ترس‌های خود، دیگر تسلیم افزایش قیمت‌ها، هزینه بالای زندگی، دستمزدهای پایین و اضافه‌کار اجباری نخواهند شد! اما برعکس اگر وحشت داشته باشند و نتوانند متحد شوند، ناگزیر به تسلیم تن در می‌دهند. ترس، مردم را اسیر نگاه می‌دارد و آن‌ها را وادار به پذیرش بی‌عدالتی‌ها می‌کند. اکنون باید پرسید: چرا ما نمی‌توانیم متحد شویم؟ آیا منافع کارگران مشترک نیست؟

ترس مانعی بر سر راه اتحاد و نیرومند شدن کارگران است. اما انشقاق ساختگی در درون کارگران نیز یک مانع دیگر است و این دو هستند که یکدیگر را تکمیل می‌کنند. حملات علیه حقوق کارگران با تمام توان صورت می‌گیرد. اما انشقاق ساختگی و قطب‌بندی، مشکلات رو به رشد کارگران را پنهان می‌کند. ابتدا این «حزب جمهوری خواه مردم» (CHP) و ژنرال‌هایی

بودند که بنا به منافع خودشان جامعه را دوقطبی کردند؛ CHP و بوروکراسی نظامی- غیرنظامی کمالیست، با قیل و قال بر سر این که سکولاریسم و جمهوری در معرض تهدید است، به تحقیر بخش‌های مذهبی جامعه روی آوردند. اکنون دولت حزب عدالت و توسعه (AKP) است که جامعه را دوقطبی می‌کند. AKP با این ادعا که قربانی است و از دموکراسی دفاع می‌کند، همچنان اکثریت را به دست می‌آورد. نهایتاً AKP کنترل کامل دولت را، به خصوص پس از سال ۲۰۰۷، به چنگ آورد. بنابراین آن‌ها دیگر نمی‌توانند بگویند: «من قربانی هستم، به من اجازه حکومت نمی‌دهند». بنابراین آن‌ها به دنبال این هستند که قطب‌بندی در درون جامعه را تاحد امکان تشدید کنند. نخست وزیر اردوغان که سابقاً از دموکراسی حرف می‌زد، الان از یک ادبیات اقتدارگرایانه و آمرانه استفاده می‌کند. او مردمی را که خواستار حقوق دموکراتیک خود هستند، تحقیر می‌کند و حتی «تروریست» می‌خواند. او لحظه‌ای در بهره برداری از ارزش‌های مذهبی و ناسیونالیسم درنگ نمی‌کند.

سیاستمداران بورژوا به طور مداوم تنش‌هایی کاذب ایجاد می‌کنند و به دنبال این هستند که طبقه کارگر را از طریق این تنش‌ها، زیر نفوذ و کنترل خود داشته باشند. این موضوع باعث می‌شود که کارگران از دریچه حزب عدالت و توسعه یا حزب جمهوری خواه مردم، شاهد تغییر و تحولات باشند، و نه از منظر خود، یعنی از منظر منافع طبقاتی‌شان. بنابراین کارگرانی که به AKP رأی دادند، به سمت پذیرش و دفاع از تمامی اقدامات AKP ترغیب می‌شوند؛ همین امر در مورد کارگرانی رخ می‌دهد که به CHP رأی دادند. به عنوان مثال، دولت AKP بهای گاز طبیعی را بین ماه‌های آوریل و اکتبر به میزان ۳۰ درصد بالا برد که افزایشی باورنکردنی بود. کارگران و زحمتکش‌ان، نخستین کسانی هستند که از چنین جهش قیمت‌ها یا افزایش مالیات‌ها ضربه می‌خورند. اما به دلیل قطب‌بندی جامعه، کارگرانی که به AKP رأی دادند می‌توانند در تقابل با کارگرانی که به این افزایش قیمت‌ها اعتراض دارند، از AKP دفاع کنند. آن‌ها می‌توانند بدون هرگونه سؤالی، تمام سیاست‌های AKP و حملات آن علیه حقوق کارگران را توجیه کنند. برعکس، سایر کارگرانی که به

CHP رأی دادند می توانند به راحتی همان حرف های CHP را تأیید کنند. اکنون باید پرسید: چه کسی از این موقعیت سود می برد؟ آیا کارگران از این قطببندی نفعی می برند؟

موضوع دیگری که به قطببندی منجر می شود، مسأله کردها است که همچنان در انتظار راه حلی می باشد. فرزندان زحمتکشان ترک و کرد، به دلیل حل نشدن مسأله کردها، که در واقع به مسأله خاورمیانه تبدیل شده است، همچنان جان می بازند. هر روز و هر روز اجسادى است که جا به جا می شود، هر روز و هر روز شیون و ناله ای است که از خانواده های هر دو سو به گوش می رسد. در همان حال که این خانواده ها در زجر و مصیبت، و مردم جامعه در غم و اندوه به سر می برند، «حزب جنبش ملی گرا» (MHP) و AKP مشغول تشدید ناسیونالیسم با بهره برداری از موقعیت هستند. آن ها در مسیر ناسیونالیسم با یک دیگر رقابت می کنند. با این حال مردم و کارگران ترک، منفعتی در ستم بر کردها ندارند. همان طور که تمام موارد و نمونه ها نشان می دهد مردم تحت ستمی که حقوق دموکرتیک خود را مطالبه می کنند، نهایتاً به آزادی شان دست می یابند. و مسأله کردها دیر یا زود حل خواهد شد. اکنون پرسش این است: چرا بسیاری از جوانان همچنان جان خود را از دست می دهند؟ مسأله حل نشده کردها به وحدت کارگران آسیب می رساند. به خاطر تحریکات ناسیونالیستی، ممکن است که کارگران ترک، کارگران کرد را دشمنان خود بدانند. چه کسی از این وضعیت سود می برد؟ البته که کارفرمایان! آیا کارگرانی که اطمینانی به برادران و خواهران طبقاتی خود ندارند، می توانند علیه دستمزدهای پایین، ساعات کاری طولانی و نادیده گرفته شدن اقدامات ایمنی کار متحد شوند؟ کارگرانی که به یک دیگر اعتماد نمی کنند، محکوم به انزوا، ترس و خم شدن در مقابل کارفرمایان هستند.

برادران و خواهران طبقاتی ما باید این موضوع را درک کنند که: حزب عدالت و توسعه، حزب جمهوری خواه مردم، حزب جنبش ملی گرا و غیره، همگی به کارفرمایان و رؤسا خدمت می کنند. تمامی آن ها وقتی در قدرت قرار دارند، اساساً در خدمت منافع کارفرمایان هستند. امروز AKP در قدرت است، فردا CHP یا

MHP ممکن است به قدرت برسد. ما باید از منظر صفوف طبقاتی خود نگاه کنیم و از منافع طبقاتی خودمان دفاع نماییم. دیروز احزاب مختلفی در قدرت قرار داشتند و آن ها هم به حقوق کارگران یورش می بردند. در طول ده سال گذشته، AKP در قدرت و مشغول حمله به حقوق ما بوده است. در طول این ده سال، AKP سن بازنشستگی را بالا برد، و با قانونی کردن پیمان کاری و سایر اشکال کار «انعطاف پذیر»، امنیت شغلی را نابود کرد. اتحادیه های مبارز، ضربات سنگینی خورده اند. دستمزدها تغییری نکرده، قدرت خرید سقوط کرده، ساعات کاری افزایش یافته است. اکنون لغو حق سنوات خدمت و دفاتر خصوصی استخدام کارگران نیز روی میز قرار دارند.

ماهانه بیش از ۱۰۰ کارگر جان خود را در سوانح کار از دست می دهند. کارگران به مراتب بیش تری زمینگیر می شوند، به بیماری های شغلی دچار می گردند و از کار ناتوان می شوند. آیا این چیزی شبیه به یک جنگ نیست؟ در ده سال گذشته، حدود ۱۱ هزار کارگر جان خود را به دلیل سوانح کار از دست دادند. آیا می دانید که این رقم، بزرگ تر از شمار سربازان کشته شده در «جنگ استقلال» است؟ چرا این سوانح کاری مهلک پایان نمی پذیرد؟ علت این است که سیاست های AKP اساساً بر پایه افزایش سود کارفرمایان قرار دارد. بنابراین کارفرمایان با خیال آسوده و به بهانه «پر هزینه بودن» تمهیدات ایمنی کار، از انجام آن سرباز می زنند. دولت AKP از بازرسی ابزارهای ضروری ایمنی خودداری می کند، این مرگ و میر را «سرنوشت» می خواند و کارگران را موعظه می کند که به دنبال حقوق خود نباشند.

۱۵ نوامبر ۲۰۱۲

ترجمه: شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

## چه کسی از بودجه ۲۰۱۳ منتفع می شود؟ و چه چیزی عاید کارگران می گردد؟

با نزدیک شدن به آغاز سال جدید، کارگران و زحمتکشان با امید فراوان، انتظار دارند که بهبودی در وضعیت زندگی آن ها حاصل شود. با این حال مبارزه برای به دست آوردن حداقل معیشت، زندگی کارگران را تحلیل می برد؛ چرا که آن ها از عهده حتی ابتدایی ترین نیازهای خود هم بر نمی آیند، همیشه در هراس اند که مبادا شغل خود را از دست بدهند و نتوانند صورتحساب ها و اجاره منزل را پرداخت کنند، از سختی های شرایط زندگی خسته شده اند، و امیدوارند که بر مسائل و مشکلات خود فائق شوند.

بعضی ها به بخت آزمایی امید می بندند، بعضی تلاش می کنند که با اضافه کاری بسیار بیش تر درآمدها را افزایش دهند، برخی دیگر تصور می کنند که حداقل دستمزد تا سال نو به مقداری مناسب بالا می رود.

در واقع کارگران و زحمتکشان به طور کلی از سفت کردن کمر بندهای خود خسته شده اند!

اما در همان حال که توده های وسیع مردم به دنبال یافتن راه نجاتی از این فلاکت عمیق هستند، کارفرمایان چه می کنند؟ خوب، آن ها از خودشان بسیار راضی هستند. آن ها از این که ترکیه هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان است، چیزی که با استثمار شدید کارگران حاصل شده، لذت می برند.

نمایندگان پرشور و شوق کارفرمایان به شدت در پارلمان کار می کنند. دولت حزب عدالت و توسعه مشغول کار بر روی بودجه ۲۰۱۳ است. در همان حال که آن ها برای افزایش حداقل دستمزد تنها به میزان چند پنی برنامه ریزی می کنند، در نظر دارند که از طرف دیگر مالیات ها را شدیداً افزایش بدهند.

اما این که کدام بخش از جامعه و چه قدر در بودجه سهم دارد و چه مقدار از آن بهره مند می شود، پرسشی است که نشان می دهد این بودجه اساساً برای چه کسانی ساخته شده است.

روشن است که دولت ضمن فشار آوردن به کارگران، به نفع طبقه کارفرمایان عمل می کند. بودجه جدید، درست مانند بودجه های قبلی، بنا به منافع سرمایه طرح ریزی شده است.

بودجه ۲۰۱۳ روشن می کند که چه طور کارفرمایان مشغول حمله به حقوق کارگران هستند. در این بودجه چه چیزی برای میلیون ها نفر از کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته شده است؟ افزایش مالیات، کاهش جدید در هزینه های عمومی و مخارج اجتماعی، صورتحساب بحران و بار سنگین جنگ!

دولت حزب عدالت و توسعه تلاش دارد که بخش اعظم درآمدهای بودجه را از محل مالیات ها به دست بیاورد (۳۱۸ میلیارد از ۳۷۰ میلیارد لیره). بزرگترین بخش این بودجه، از طریق مالیات های مستقیم و غیرمستقیم از جیب کارگران زده خواهد شد.

زندگی کارگران با انواع و اقسام مالیات ها، تحت عناوین مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات ویژه مصرف و سایر مالیات هایی که ما حتی نام آن ها را نمی دانیم، نابود می شود.

وقتی نوبت به تخصیص سهم کارگران و زحمتکشان می رسد، دولت بسیار بخیل می شود؛ دولت با ملاقه از کاسه کارگران برمی دارد، اما حتی یک قاشق هم به آن ها نمی دهد.

سهم آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و هزینه های اجتماعی، محدود شده و افزایش حداقل دستمزد و حقوق کارکنان بخش عمومی بسیار ناچیز است.

بهای گاز طبیعی، برق، آب، حمل و نقل عمومی و غذا به شکل سرسام آوری بالا رفته و قدرت خرید کارگران به طور مداوم رو به کاهش است.

وزیر مالیه، به عنوان نماینده تمام عیار طبقه کارفرمایان و دشمن مودی کارگران، در کمال بی شرمی می گوید: «در سال ۲۰۱۳ ما اجازه نخواهیم داد که کارکنان، مستمری بگیران و صاحبان حداقل حقوق زیر تورم کمر خم کنند. ما همچنان دارایی هایی خود را خرج خواهیم

کرد تا به ملت‌مان خدمت کنیم. به بیان دیگر، سال ۲۰۱۳ ما در وضعیت خوبی خواهیم بود.»

آیا او همان وزیری نیست که با گفتن «ما نباید توازن را درهم بریزیم»، نرخ افزایش ۴ درصدی حقوق و دستمزدهای کارکنان بخش عمومی را کافی و مناسب می‌دانست؟

آیا او همان وزیری نیست که با گفتن این که نمایندگان مجلس در مضیقه هستند، دستمزدهای آن‌ها افزایش داد؟

آیا این همان وزیر مسئول امور مالی دولت حزب عدالت و توسعه نیست که طی ده سال گذشته شمار میلیاردهای دلاری را به ۴۰ رساند و تعداد کسانی را که باید زیر خط فقر زندگی کنند، افزایش داد؟

آیا او همان وزیری نیست که دست‌اندرکار اصلی تعیین حداقل دستمزد در سطح ۷۷۴ لیره- آن هم در حالی که خط‌گرسانی حدود ۱۰۵۰ لیره می‌باشد- بوده است؟

این گربه‌های چاقی که وقتی می‌بینند چیزی با منافع آن‌ها جور در نمی‌آید، سریع شروع به جیغ و فریاد می‌کنند، دقیقاً به همین خاطر است که علاقه دارند وضعیت فعلی را با بودجه جدید در پارلمان دنبال کنند. به همین خاطر است که هرچه در این باغ به چشم می‌خورد، به مشام آن‌ها خوشبو می‌آید.

وقتی زمان پرداخت مالیات نزدیک می‌شود، دست آن‌ها هرگز به سوی کیف‌های پوشان نمی‌رود؛ بلکه برعکس آن‌ها بزرگترین سهم بودجه را در اختیار دارند.

همه چیز برای کارفرمایانی که سودهایشان به واسطه بسته‌های انگیزشی شیرین، کاهش مالیاتی و تشویق سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، خوب پیش می‌رود! همه چیز برای نمایندگان مجلس و بوروکرات‌های رده بالای دولت که پاداش‌شان افزایش جدید دستمزدهاست، خوب پیش می‌رود! همه چیز برای اربابان جنگ خوب پیش می‌رود!

دولت بابت نان، گوجه‌فرنگی، گاز طبیعی و سایر اقلام همان مقدار مالیات از کارگری با حداقل دستمزد می‌گیرد، که از یک میلیارد.

در همان حال که کارفرمایان هر نوع مخارجی را در صورت هزینه‌ها وارد می‌کنند، بخش قابل توجهی از درآمد کارگر پیش از آن که حتی به دست‌اش برسد، تحت عنوان مالیات مشمول کاهش



می‌شود.

دامنه تأمین اجتماعی محدود شده و نرخ «سهم» شما برای معاینه پزشکی، درمان و دارو افزایش یافته است.

آموزش نه تنها با وادار کردن خانواده‌های زحمتکش و فقیر به پرداخت هزینه‌های کودکان خود در مدرسه پولی شده، بلکه کیفیت آن هم پایین‌تر آمده است.

با این حال سهمی که به تسلیحات و نیروهای «امنیتی» اختصاص می‌یابد، به طور خالص ۴۵ میلیارد لیره است!

میلیون‌ها نفر از کارگران برای حداقل دستمزد کار می‌کنند. سهمی که به آموزش، بهداشت و درمان، و رفاه اجتماعی اختصاص می‌یابد رو به کاهش است. با وجود افزایش جمعیت، سهمی که به خدمات عمومی نظیر آموزش و بهداشت تخصیص داده می‌شود، طی بیست سال گذشته از ۲۰ به ۱۶ درصد سقوط کرده است. ترکیه، این «اقتصاد و قدرت عظیم منطقه‌ای» از نظر شاخص توسعه انسانی رتبه ۹۲ را در بین ۱۸۷ کشور دارد! وزیر مالیه چه برداشتی از مفهوم «توازن» دارد؟ مقصود او چه نوع توزانی است؟ این ستمی پست و حقیرانه است.

## مذاکرات و چانه زنی دسته جمعی در صنعت فلزات

بولتن همبستگی کارگران

انجمن همبستگی بین المللی کارگران

طی برنامه های آموزشی که در چهارچوب نظام نامه مشاغل سخت و خطرناک صورت می گیرد، به کارگران فلزکار گفته می شود که: «ریخته‌گری، بزرگ ترین حرفه نوع بشر است. هر چه کشوری قابلیت بیشتری در مهار کردن فلزات و ریخته‌گری داشته باشد، به همان اندازه نیز نیرومندتر است». بنابراین ترکیه کشوری نیرومند است، چرا که کارگران همیشه به سختی مشغول کارند تا با مهارتی عظیم، فلزات را قالب ریزی کنند و سوده‌های کارفرمایان را افزایش دهند. اما آن‌ها، همچون برادران و خوهران هم‌طبقه‌ای خود در سایر صنایع، تنها از بخش اندکی از ثروتی که خود ایجاد می کنند، بهره مند می شوند. چرا؟

مذاکرات چانه‌زنی دسته جمعی برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۴ میان اتحادیه های کارگری سازمان یافته در صنعت فلزات و MESS (انجمن صنعتگران فلزکار ترکیه) آغاز شده است. اتحادیه های کارگری طرح های پیشنهادی خود را برای حصول یک توافق و آگاه کردن کارگران از مطالبات، ارائه دادند. این پیش نویس ها به هیچ وجه نیازهای واقعی ده ها هزار کارگر فلزکار مشغول به کار در شرکت های وابسته به MESS را رفع نمی کند. در پیش نویس ارائه شده از سوی اتحادیه سازشکار و مماشاتجوی Turk Metal (اتحادیه کارگران فلزکار ترکیه) هیچ مطالبه بارزی به چشم نمی خورد. این اتحادیه با ایفای نقش چماق کارفرمایان در محیط های کار، وضع کارگران را بدتر می کند. اتحادیه Turk Metal بی شرمانه ادعا می کند که لوکوموتیو جنیش کارگری است. اما اکنون برای پنهان ساختن این حقیقت که او تاکنون به هیچ مبارزه ای در جهت افزایش قابل توجه دستمزد برای بهتر ساختن زندگی کارگران دست نزده است، صرفاً خواستار افزایش دستمزد حول محور نرخ تورم رسمی یا صرفاً مقداری بالاتر، می شود. حتی این مطالبه او هم نتیجه رقابت با اتحادیه کارگران فلزکار متحد (Birleşik Metal İş) - دومین اتحادیه بزرگ در صنعت فلز است و تنها در متن پیش نویس ملحوظ شده.

وقتی ما ۷۰ میلیارد لیره ای را که به صندوق احتیاطی تخصیص یافته است، اضافه کنیم، به روشنی می بینیم که بودجه ۲۰۱۳، در واقع بودجه تسلیحات، جنگ، سرکوب و ستم، گاز اشک آور و باتوم است.

دولت حزب عدالت و توسعه، میزان ستم و استثمار طبقه کارگر و رویکرد تهاجمی خود نسبت به توده های تحت ستم را در سال ۲۰۱۳ تشدید خواهد کرد.

به طور خلاصه، روز-کار عملاً حتی بیشتر خواهد شد. اخراج ها بدون آهسته شدن، ادامه خواهد یافت. عدم اشتغال بالا خواهد رفت. کار منعطف و پیمانکاری، عمومی خواهد شد. تلاش های جدیدی برای واگذاری حق سنوات خدمت کارگران به یک صندوق و سپس الغای آن صورت خواهد پذیرفت. سوانح کار همچنان سر به فلک خواهد کشید. به علاوه افزایش سن بازنشستگی نیز در دستور کار پارلمان خواهد بود.

طبقه کارگر نمی تواند دست به سینه منتظر بماند، چرا که تمامی این حملات، قریب الوقوع هستند!

کارگران برای به دست آوردن بیشترین بخش از ارزشی که خود ایجاد کرده اند و برای پایای دادن به این نظام استثمار، باید دست به مبارزه بزنند.

۱۵ دسامبر ۲۰۱۲

طبقه کارفرمایان که نمی خواهد نارضایتی کارگران به اقدامی سازمان یافته مبدل شود، به صورت حساب شده ترجیح می دهد تا از Turk Metal به عنوان نگهبان خود علیه کارگران استفاده کند. اتحادیه Turk Metal، کارگران مبارزه را شناسایی کند و کارفرمایان را وادار به اخراج این کارگران از محیط های کار سازمان یافته نماید. رویدادهای اخیر در کارخانه های «رنو» و «جنگیز ماشین»، چهره حقیقی Turk metal را نشان داد.

نارضایتی کارگران فلزکار به موازات مبارزه آن ها با شرایط دشوار کار و زندگی، به طور مداوم در حال افزایش است. کارگران فلزکار و آن دسته از اتحادیه های کارگری که ادعا می کنند خطی مبارزه جویانه در پیش گرفته اند، هنوز باید کارهای بسیاری برای شکست دادن ترفندهای MESS و باند Turk Metal انجام دهند. تنها کارگران و اتحادیه های مبارز و پیشرویی که برای نجات کارگران ناراضی عضو Turk Metal از این باند وارد عمل شده اند، می توانند به این هدف برسند. اکنون نیازی مبرم به اتحادیه گرایی مبارزه جویانه ای است که کارگران را فریب نمی دهد، مبارزه برای حقوق و آزادی کارگران را اولویت خود قرار می دهد، و ضمن مبارزه متهورانه علیه باند Turk Metal، به کارگران فلزکار تکیه و اعتماد دارد. یک چنین اتحادیه گرایی مبارزه-جویانه ای، امید و قوت کارگران فلزکار خواهد بود.

۱۷ دسامبر ۲۰۱۲

[http://en.uidder.org/collective\\_bargaining\\_negotiations\\_in\\_metal\\_industry.htm](http://en.uidder.org/collective_bargaining_negotiations_in_metal_industry.htm)

نیاز به غیب گویی نیست که بگوییم Turk Metal برای مطالبات مطرح شده در پیش نویس طرح پیشنهادی خود هم مبارزه نخواهد کرد. سابقه گذشته این اتحادیه ثابت می کند که Turk Metal، همیشه نوکر پست و گوش به فرمان کارفرمایان بوده است. مسائل مهمی نظیر افزایش ساعات کار، تلاش برای ربودن حق سنوات خدمت کارگران، افزایش شمار سوانح کار و غیره، جزو دغدغه های Turk Metal نیستند.

مطالبه Birleşik Metal İş در ارتباط با افزایش دستمزد در متن پیشنهادی خود، تقریباً مشابه با Turk Metal است. با این حال، پیش نویس طرح Birleşik Metal İş مطالبات مهمی را برای مبارزه کارگران مطرح می کند، مانند کاهش هفته کاری به ۳۷.۵ ساعت بدون کاهش دستمزدها؛ تبدیل تعطیلات آخر هفته به روزهای استراحت؛ افزایش زمان استراحت، دوره های مرخصی سالانه و مرخصی استعلاجی؛ وادار کردن کارفرمایان به پرداخت افزایش مالیات ها در نتیجه تغییر طبقه بندی مالیاتی؛ و غیره. اما تکمیل و عملی ساختن این مطالبات نیاز به مبارزه ای دارد که بتواند ارتش کارگران فلزکار را متحد سازد. هرچند Birleşik Metal İş مطالبات مهمی را مطرح می کند، اما برای دست یافتن به آن ها الزاماً باید وارد عمل شود. در غیر این صورت، گسست از نفوذ Turk Metal در صنعت فلز و پروسه چانه زنی دسته جمعی ناممکن خواهد بود. باید به یاد آورد که تجربه بوش (BOSCH) در بورسا الهام بخش دیگر کارگرانی بوده است که در Turk Metal متشکل هستند و این کارگران از Birleşik Metal خواستند که رهبری شورش آن ها را به دست بگیرد و آنان را سازماندهی کند.

کارخانه های عظیم خودروسازی در حال تعطیلی هستند و تولید در حال انتقال به کشورهایی با نیروی کار ارزن، مانند ترکیه، است. فضای جنگ و درگیری های مسلحانه، به دنبال خود رونق تسلیحات را دربر داشته و کارخانه های فلزات در حال افزایش ظرفیت های تولیدی خود بوده و هستند. با تعمیق بحران اقتصادی، شرایط کاری در کارخانه های سازه های فلزی دشوارتر می شود. حاکمان ترکیه در وهله نخست به دنبال نظارت کامل بر کارگران فلزکار و طبقه کارگر در کل هستند.

## قدردانی کمیته‌ی هماهنگی از پیام اتحاد فعالان کارگری ترکیه!



ایران، به شکل باشکوهی همبستگی طبقاتی‌شان را با طبقه‌ی کارگر ایران به نمایش گذاشتند.

کمیته‌ی هماهنگی نیز ضمن تأکید بر همبستگی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر برای رهائی از مناسبات سرمایه‌داری در سطحی جهانی، مراتب قدردانی خود را از تمامی کارگران و فعالان کارگری ترکیه‌ای که در این کمپین شرکت داشته‌اند اعلام می‌کند و دست آنان را برای اتحادی همه‌جانبه در مسیر مبارزه‌ی طبقاتی می‌فشارد.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

[http://www.khamahangi.com/index.php?option=com\\_content&view=article&id=895:139-1-02-25-16-08-25&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27](http://www.khamahangi.com/index.php?option=com_content&view=article&id=895:139-1-02-25-16-08-25&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27)

انجمن همبستگی بین‌المللی کارگران (UID-DER)

۲۰ مه ۲۰۱۲

### پیام قدردانی یکی از تشکل‌های کارگری ایران به «انجمن همبستگی بین‌المللی کارگران»

کمپین «انجمن همبستگی بین‌المللی کارگران» با نام «سرکوب طبقه‌ی کارگر ایران را متوقف سازید!» توجه بسیاری از تشکل‌های کارگری ایران را به خود جلب کرده است. سرکوب و آزار، اقدامات ضد دموکراتیک، ممنوعیت اتحادیه‌ها، حبس و شکنجه‌ی کارگران در ایران همواره با اعتراض تشکل‌ها رو به رو می‌شود و به همین جهت آنان تلاش می‌کنند تا در سطح بین‌المللی به روشنگری در این باره دست زنند. یکی از تشکل‌ها، یعنی کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن انتشار خبر کمپین UID-DER در وب سایت خود، قدردانی خود را بابت این کمپین اعلام داشته است. در پایین متن پیام قدردانی آنان را که بیان معنادار همبستگی بین‌المللی طبقاتی است، منتشر می‌کنیم:

### قدردانی کمیته‌ی هماهنگی از پیام اتحاد فعالان کارگری ترکیه!

چندی پیش جمعی از کارگران و فعالان کارگری ترکیه کمپینی با عنوان «سرکوب طبقه‌ی کارگر ایران را متوقف کنید» به راه انداخته و ضمن جمع‌آوری هزاران امضا و افشاگری در مورد سرکوب فعالان کارگری